



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۱۱ - چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۸ رجب ۱۴۰۱ - ۱۵ ریال

با راهنمایی و کمک باند قاسملو: تجاوزگران صدامی زندان باند قاسملو را بمباران کردند

تجاوزگران صدامی، زندان باند قاسملو را در سردشت، با بمب ناپالم بمباران کردند و عده‌ای از زندانیان را به شهادت رساندند. دولت جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه‌ای که در روز ۲۲ اردیبهشت (۶۰/۲۲) در باره این جنایت منتشر ساخت اعلام کرد که تجاوزگران صدامی پاکمک سرسپردگان باند قاسملو، روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۶۰، زندان این باند ضدانقلابی را در «دوگه تو»، واقع در سردشت، با هواپیما و هلیکوپترهای توپسدار بمباران کردند. بنابر اطلاعیه دولت، بر اثر بمباران زندان با بمب ناپالم، عده‌ای از ۲۰۰ زندانی آن به شهادت رسیده‌اند، که طبق اظهارات مسئول سپاه پاسداران کردستان، تعداد آنها تاکنون به ۵۰ نفر رسیده است. این عده که از مبارزان کرد مخالف باند قاسملو، سپاهیان پاسدار، افراد ارتش و اعضای جبهه‌سازندگی تشکیل شده بودند، از دوسال پیش در زندان باند قاسملو اسیر بودند. دولت جمهوری

پیرامون

اهمیت فوق العاده رهنمود امام خمینی

درباره فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی

بیاناتی که امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، روز سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۰، در جمع گروهی از علمای آذربایجان ایران داشتند، حاوی رهنمودهای فوق العاده مهم و سرنویس‌سازی است که ما در این مقال کوتاه، سعی خواهیم کرد درباره برخی از آنها سخنی چند بیان داریم.

روزهای یکشنبه ۲۷ و دوشنبه ۲۸ اردیبهشت ۶۰، بعد از اخبار شب در شبکه اول

بحث آزاد تلویزیون باشوکت حزب توده ایران پخش میشود

در این بحث، که عنوان آن بحث «ایدئولوژی-عقیدتی» است، رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت دارد. سایر شرکت‌کنندگان در این بحث عبارتند از آقای مصباح (از حوزه علمیه قم) آقای سروش (منفرد) و آقای فرخ نگهبان (از سازمان فدائیان خلق ایران «اکثریت»). ما همه علاقمندان را به شنیدن این بحث دعوت می‌کنیم.

تحریف نظریات حزب توده ایران در زمینه بازرگانی خارجی و داخلی بسود کیست؟ (درباره مصاحبه معاون اداری و مالی وزارت بازرگانی)

«نامه مردم» در مقاله‌ای تحت عنوان «نظام صنفی باید بر مبنای تعمیم حقوق دمکراتیک و گسترش تعاونی‌ها استوار گردد»، (مورخ ۲۵ آبان ۱۳۵۹) با توجه به ضرورت دفاع از منافع اقشار متوسط و پائین اصناف و پیشه‌وران، ارتباط با ملی کردن بازرگانی خارجی چنین نوشت: «اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و تمرکز توزیع عمده کالا در دست دولت، به منافع اقشار متوسط و پائین اصناف و پیشه‌وران، نه فقط زیان نمی‌رساند، بلکه بسود اینها است. چنین اقدامی این اقشار را از تسلط و غارت سرمایه‌داری بزرگ و عمده‌فروشان و دلالان و محترکان رها می‌سازد، زیرا بهر صورت دولت انقلاب در توزیع کالا در داخل کشور، از شبکه وسیع و گسترده اقشار پائین و متوسط اصناف و پیشه‌وران وسیع استفاده خواهد کرد. چنانکه دیده میشود، حزب توده ایران نه فقط خواستار دولتی کردن تمامی توزیع نشده، بلکه به درستی متذکر شده است که، دولت انقلاب در توزیع کالا در داخل کشور، از شبکه وسیع و گسترده و اقشار پائین و متوسط اصناف و پیشه‌وران وسیع استفاده کند. ما نه تنها در این نوشته، بلکه در نوشته‌های متعددی، که به بحث درباره ملی کردن بازرگانی خارجی و داخلی اختصاص داده‌ایم، بدفعات متذکر شده‌ایم که، ضمن اجرای سریع و قاطع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، باید بر ایجاد فروشگاههای دولتی، تعاونی و استفاده وسیع از شبکه موجود خرده‌فروشی‌ها تکیه شود. بنظر ما مشرک‌ترین شیوه بازرگانی، به منظور جلوگیری از گرانی، گران‌فروشی، احتکار و پتیه در صفحه ۴

در مقاله‌ای تحت عنوان «نظام صنفی باید بر مبنای تعمیم حقوق دمکراتیک و گسترش تعاونی‌ها استوار گردد»، (مورخ ۲۵ آبان ۱۳۵۹) با توجه به ضرورت دفاع از منافع اقشار متوسط و پائین اصناف و پیشه‌وران، ارتباط با ملی کردن بازرگانی خارجی چنین نوشت: «اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و تمرکز توزیع عمده کالا در دست دولت، به منافع اقشار متوسط و پائین اصناف و پیشه‌وران، نه فقط زیان نمی‌رساند، بلکه بسود اینها است. چنین اقدامی این اقشار را از تسلط و غارت سرمایه‌داری بزرگ و عمده‌فروشان و دلالان و محترکان رها می‌سازد، زیرا بهر صورت دولت انقلاب در توزیع کالا در داخل کشور، از شبکه وسیع و گسترده اقشار پائین و متوسط اصناف و پیشه‌وران وسیع استفاده خواهد کرد. چنانکه دیده میشود، حزب توده ایران نه فقط خواستار دولتی کردن تمامی توزیع نشده، بلکه به درستی متذکر شده است که، دولت انقلاب در توزیع کالا در داخل کشور، از شبکه وسیع و گسترده و اقشار پائین و متوسط اصناف و پیشه‌وران وسیع استفاده کند. ما نه تنها در این نوشته، بلکه در نوشته‌های متعددی، که به بحث درباره ملی کردن بازرگانی خارجی و داخلی اختصاص داده‌ایم، بدفعات متذکر شده‌ایم که، ضمن اجرای سریع و قاطع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، باید بر ایجاد فروشگاههای دولتی، تعاونی و استفاده وسیع از شبکه موجود خرده‌فروشی‌ها تکیه شود. بنظر ما مشرک‌ترین شیوه بازرگانی، به منظور جلوگیری از گرانی، گران‌فروشی، احتکار و پتیه در صفحه ۴

در صفحات بعد

رئیس جمهوری
جدید فرانسه
در برابر آزمایشی
بزرگ
صفحه ۸

بحرین -
پایگاه نظامی
امریکا در
خلیج فارس
صفحه ۴

در مواضع آبادان و خونین شهر: چندین سنگر و پست نگهبانی دشمن منهدم شد

در ادامه نبرد دلوران ایران با متجاوزان صدامی، در محور آبادان - ماهشهر و جبهه خونین شهر، دو تانک، چند خودرو و چندین سنگر و پست نگهبانی دشمن منهدم شد و تعدادی از متجاوزان کشته و زخمی شدند. بر اساس اطلاعیه شماره ۴۹۹ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در بیست و چهار ساعت گذشته، تبادل آتش در اغلب جبهه‌های جنوب و غرب

امپریالیسم هزار چهره بریتانیا

گرگ پیر امپریالیسم انگلستان، پس از یک غیبت طولانی مصلحت‌آمیز، باردیگر در صحنه سیاسی ایران پس از انقلاب ظاهر شده است و این خود فی‌نفسه علامت شومی است. به جرئت میتوان گفت که در تاریخ چندصدساله روابط ایران و انگلستان، حتی یک مورد نمیتوان یافت که حضور این دولت استعمارگر امپریالیستی در صحنه سیاست کشورمان نتیجه‌ای مثبت بسود خلق ایران دربر داشته باشد. امپریالیسم بریتانیا همیشه یک پای ثابت توطئه‌ها و دسایس ضد ایرانی بوده و هم‌اکنون نیز هست. کافینست در تاریخ معاصر کشورمان به نقش خائنه انگلستان در روی کار آوردن رضاخان، غارت پنجاه ساله نفت ایران و همدستی و همدانستی با امپریالیسم آمریکا در تدارک و اجرای کودتای ۲۸ مرداد و در رویارویی با انقلاب پهن اشاره کنیم. البته امپریالیسم بریتانیا امروز دیگر آن امپراطوری بزرگی نیست که «آفتاب در آن غروب نمیکرد». انگلستان امروز از لحاظ اقتصادی جای ششم-هفتم را در بین کشورهای جهان احراز میکند و آهنگ رشد اقتصادی آن نیز تقریباً از تمام کشورهای صنعتی دنیای سرمایه‌داری (کشورهای سوسیالیستی که جای خود دارند) کندتر است. آری، امپریالیسم انگلستان زبون و ناتوان است. اما این زبونی و ناتوانی، اگر بر خصلت درندگی آن گرگ پیر نیفزوده باشد، بی‌شک از آن چیزی هم نکاسته است؛ منتها امپریالیستهای انگلیسی میکوشند با کاربرد وسیعتر شیوه‌ها و روشهای مزورانه و فریبکارانه، ناتوانی خود را جبران کنند

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

امپریالیسم هزار چهره ...

بقیه از صفحه ۱

است. همین دیروز بود که خانم تاجر در خلیج فارس برای سرهم بندی توطئه علیه انقلاب ایران تلاش میکرد.

ایران انقلابی هشیارتر از آنست که به هر کس پیر امپریالیسم بریتانیا اعتماد کند و آقای محمد هاشمی معاون و مشاور سیاسی نخست وزیر از قلب مردم ایران به کاردار انگلستان پاسخ داده است که ملت ایران، باتوجه به روابط گذشته و خاطره تلخ از انگلستان و موضعگیریهای آن بعد از پیروزی انقلاب «دیگر به انگلستان اعتمادی ندارد».

و ما بر این گفته می افزاییم که، تا حکومت انگلستان در دست انحصارات امپریالیستی غارتگر است، خلق انقلابی ایران هرگز اعتمادی به دولت انگلستان نخواهد داشت.

امپریالیسم بریتانیا برای مردم ایران چهره های آشناست

سیاست دورویانه و مژورانه امپریالیسم بریتانیا، که از یکسو یگانهای نظامی و ناوگان خود را در اختیار سپاه واکنش سریع آمریکا قرار میدهد، بین خلقهای منطقه تفرقه می اندازد، به جنگ عراق با ایران دامن میزند، مهمترین پشتیبان راهزنان باجداره چون قابوس، شاه حسین و شیوخ و ملوک مرتجع خلیج است و به آنها برای سیرکوب چنین انقلابی سلاح میدهد و از سوی دیگر ایران را به فراموش کردن گذشته نزدیک و برقراری «روابط متساوی» فرامیخواند، هیچ کس را نمیتواند در همین انقلابی ما فریب دهد. ما دست آمریکای جنایتکار را، که از آستین امپریالیسم بریتانیا بیرون می آید، می شناسیم. فرمان کودتای ۲۸ مرداد که از اردیبهشت «بی بی سی» به ضدانقلاب ابلاغ شد، هنوز در خاطر ماست. موضع انگلستان در اوج کشتارهای شاه را از یاد نبرده ایم. این نخست وزیر دولت بریتانیا بود که در «کنفرانس گوادلوپ» برای حفظ رژیم شاهنشاهی، به قیمت قتل عام میهن دوستان ایران پافشاری میکرد. آقای کاردار سفارت انگلیس حتما با پروتکل مذاکرات این کنفرانس آشناست و میداند

که دولتی که نمایندگی آنرا بعهده دارد، برای خفه کردن کودکوزاد انقلاب ما چه گریبانها که ندریده است. آری، امپریالیسم بریتانیا برای مردم ایران چهره های آشناست.

امروز کاردار سفارت فخیه انگلستان، با چه وجدانی بخود اجازه میدهد که با نمایندگان انقلابی که دولت انگلستان کمر قتل آن را بسته بود و با نمایندگان حکومتی که برای سرنگونی آن توطئه میکنند، وارد مذاکره شود و ادعای «دوستی» کند؟ «دوستی» پیشکشان، دست از دشمنی با انقلاب ایران بردارید. اگر راست میگوئید لانه ضدانقلابیون در لندن، که مرکز توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و پلیس انگلستان چون مردمک چشم از یکایک آنان برای روزمبادی امپریالیسم بریتانیا محافظت می کند، برهم بزنید؛ دهان «بی بی سی» را که هر روز با سخن پراکنیهای ضدانقلابی، عوام فریبانه و تحریک آمیز، شنوندگان خود را گمراه میکند و به آنان آدرس عوضی میدهد، ببندید؛ از شرکت در توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خودداری کنید و ...

اگر انگلستان در روابط اقتصادی خود با ایران، ما را همیشه غارت کرده است و اکنون نیز در تلاش تجدید این غارت است، اگر سیاست انگلستان همیشه بر ضد استقلال و آزادی و ترقی کشور ما بوده است و اکنون نیز شدیدتر از سابق است، اگر دولت انگلستان در محاصره اقتصادی ایران شرکت کرده و اکنون نیز ارتش و ناوگان خود را در جزء سپاه واکنش سریع، در مرزهای ایران متمرکز کرده است، دیگر نماینده آن با چه روئی میتواند از «روابط متساوی» سخن بگوید؟ روابط متساوی آنست که انگلستان انقلاب ما و نظام جمهوری اسلامی ایران را بر سر سمیت پشناسد، به استقلال و حق حاکمیت ملی ما احترام بگذارد، در امور داخلی ما دخالت نکند، در توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت نکند، قراردادهای بازرگانی و فرهنگی و ... برابر حقوق و باسود متقابل با ما منعقد کند و ... در غیر اینصورت «روابط متساوی» و ابراز «دوستی» چه معنایی دارد؟

تخریف نظرات ...

بقیه از صفحه ۱

در این زمینه بگوئیم نکات زیرین است:

در دولت موقت «گام به گام» نیز مقامات وزارت بازرگانی تعلق خود را در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، با حمله به «چپ ها»، به خصوص به «نامه ۴۵» توجه کردند و دیدنیوسیله بورژوازی بزرگ تجاری را زیر پا روپر گرفتند، همان بورژوازی که، بنابه گفته آقای مهندس عزت الله سبحانی، نماینده مجلس شورای اسلامی، طی سال ۱۳۵۹ توانست ۱۲۰۰ میلیارد ریال، یعنی حدود یک سوم بودجه سال جاری، تنها از راه گرانی و گرانیفروشی و احتکار سود به جیب بزند.

این شیوه را وزارت بازرگانی در شهریور ۱۳۵۹ بکار برد، «نامه مردم» همان موقع، در ۱۰ شهریور ۵۹ به این شکر در پاسخ داد و آنرا افشا ساخت و بار دیگر مصرحا خواستار تسریع در اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی گردید.

از آن تاریخ ده ماه، و از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ آبان ۱۳۵۸، که در آن اجرای ملی کردن بازرگانی خارجی تصریح شده است، بیش از یکسال و نیم میگذرد، ولی هنوز این اصل قانون اساسی اجرا نشده است.

آیا در زمانی که مردم زحمتکش ایران، که زیر فشار گرانی، گرانیفروشی، سودجویی و احتکار بورژوازی بزرگ تجاری، دلان، واسطه ها و محترکان بصدا در آمده اند و خواهان اجرای هر چه سریعتر ملی کردن بازرگانی خارجی هستند، در زمانی که در مجلس شورای اسلامی ایران نیز فشار اکثریت نمایندگان برای اجرای این اصل قانون اساسی

پیرامون رهنمود ...

بقیه از صفحه ۱

انحصارطلبی و قشری گری است، که هنوز نیروها و افرادی در راه آن میکوشند.

ضمنا، به نظر ما، کمیسیونی که در مجلس اکنون در کار تهیه لایحه قانونی مربوط به فعالیت مجاز احزاب و گروههای سیاسی است، و سپس نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بهنگام مذاکره و بررسی و تصویب این لایحه، باید طبق رهنمود امام خمینی و با رعایت دقیق روح و متن قانون اساسی عمل کنند. لایحه ای با رهنمود امام خمینی و قانون اساسی انطباق خواهد داشت که هیچ رادع و مانع و اشکالی بر سر راه آزادی فعالیت احزاب و گروه های سیاسی ایجاد نکند، مگر گروه یا حزبی، که توطئه گرانه و مسلحانه در صدد سراندازی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد.

تأمین آزادی فعالیت احزاب و گروههای سیاسی هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، موجب قوام و تقویت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و باعث کسب اعتبار بسیار بزرگی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان خواهد بود.

امروز انقلاب و رژیم نوپای جمهوری اسلامی ایران با دشواریهای گوناگونی در عرصه های مختلف زندگی روبروست، و فردا با دشواریهای نوع دیگری، ناشی از رشد، برخورد خواهد کرد. تقاطع اندیشه ها، انتقاد های سازنده، پیشنهادها و طرحها، که از سوی احزاب و گروههای سیاسی هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی - ارائه گردند، حل همه دشواریهای امروز و فردا را آسان می کند، راه سازندگی ایرانی کاملاً مستقل، آزاد و آباد را هموار می سازد.

ارائه نمونه رژیم نوین جمهوری اسلامی ایران، که در آن فعالیت احزاب و گروههای سیاسی هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی - تأمین شده باشد، در سراسر جهان اعتبار و جاذبه بسیار نیرومندی خواهد داشت. جهان خواهد دید که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی است ضد امپریالیستی و استقلال طلب، دموکراتیک و ضد استبدادی، مردمی و بسود مستضعفان و میتواند نقش مؤثر و تاریخی در توسعه جنبشهای رهایی بخش، بویژه در کشورهای اسلامی ایفاء کند.

این گفته امام خمینی که «اگر این جمهوری برود، به جای او امثال اژدهاها خواهد آمد»، رهنمود عمل فوق العاده ارزنده و هشدار دهنده برای همه آنهایی است که نه از روی غرض (مقرضین علاج ناپذیرند)، بلکه بدلیل ناراضی از این یا آن نارسائی، این اشتباه یا آن ندادن کاری، این دشواری یا آن بفرنجی، که پیش آمده (و غالباً بعد از هر انقلابی برای مدتی پیش می آید) و در اثر اشتباه در ارزیابی خود از انقلاب ایران و حاکمیت انقلابی، تصور میکنند که اگر

شیوه قرون وسطائی تنبیه بدنی را از آموزش و پرورش ریشه کن کنیم

وزارت آموزش و پرورش در دستورالعملی به کلیه مناطق آموزشی کشور، هر گونه تنبیه بدنی را ممنوع اعلام کرد.

در دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش، که از سوی ابرج شکرگرف نخبی، قائم مقام وزیر آموزش و پرورش صادر شده، با تأکید بر اینکه «تنبیه بدنی دانش آموزان در تحقیر شخصیت و حس بدینی آنان تأثیر میگذارد» بار دیگر تأکید شده که: «مسئولان و اولیاء مدارس باید از تنبیه بدنی و تحقیر روحی دانش آموزان خودداری کنند.» (جمهوری اسلامی - ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰)

دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش در واقع تأیید اخبار ناسف برانگیزی است که از مدارس می رسد و حکایت از این داشت که برای دانش آموزان تنبیه بدنی در نظر گرفته میشود. لازم به تأکید نیست که چنین اعمالی نه تنها مخالف قانون اساسی است، که در آن شکنجه افراد بهر عنوان و شکل ممنوع شده، بلکه بیش از هر چیز غیر انسانی است. استفاده از تنبیه برای تربیت دانش آموزان، در واقع یک شیوه قرون وسطائی است که با هیچیک از موازین قانونی و انسانی جمهوری اسلامی ایران تطبیق نمی کند.

ظاهراً لازم به تذکر نیست که همه تجربیات بشر در مورد آموزش و پرورش نشان می دهد که تنبیه بدنی نه تنها قادر نیست که عیوب اخلاقی دانش آموزان را برطرف کند و یا در زمینه آموزش به آنها یاری برساند، بلکه بر شخصیت کودک اثرات ناگواری میگذارد که گاه ممکن است تا پایان زندگی همراه شخص بماند و زندگی او را با اختلالات جدی همراه سازد. باید گفت که دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش در این زمینه مثبت است و هر چند که خیلی دیر - یعنی در اواخر سال تحصیلی - صادر شده، با اینهمه می تواند لاقول برای آینده نقش مثبتی داشته باشد. اما آنچه باید از هم اکنون جدی گرفته شود، ریشه کن کردن تنبیه بدنی از سیستم آموزش و پرورش است. این بر مسئولان آموزش و پرورش کشور است که با آموزش صحیح و پیگیری، این شیوه قرون وسطائی را در آموزش و پرورش کشور منسوخ کنند. جهان معاصر، بویژه کشورهای انقلابی، گنجینه ای از تجربیات گرانبهادر اختیار دارند که با استفاده از آنها می توان گامهای فرسنگی در آموزش و پرورش برداشت. شناخت و استفاده از این تجربیات - بعد از انطباق بر شرایط ایران - است که می تواند خلاق باشد، نه چوب و چماق و فلک که شایسته حیوان هم نیست، چه رسد به انسان و آنهم کودکان و نوجوانان!

این جمهوری برود، نظام و حکومت بهتری روی کار خواهد آمد. این تصور، تصویری نه فقط بکلی باطل، بلکه تصویری است خطرناک، که هر کس دچار آن بشود، ناخواسته در صف ضد انقلاب قرار میگیرد. حقیقت امروز اینست و جز این نیست.

جانشین این نظام جمهوری اسلامی ایران فقط میتواند یک نظام نوع فاشیستی نظیر «آریا-میری-ساواکی» و حتی بدتر از آن، خونخوارتر، شقی تر و ستمگرتر از آن باشد. برای برقراری چنین نظامی است که امپریالیسم بسرکردگی امریکای جنایتکار، سکان درنده خود را، نظیر اوپسیها و اژدهاها و چپها و بختیارها و امثالها را در کمین جمهوری اسلامی ایران نشانده، تا اگر فرصتی بیابد، آنها را بانجم ماموریت ملی و میهنی، خود وادارد.

آن دولت «میانه روی» نیز که ریگان در آرزو و در تلاش روی کار آوردن آن در ایران است، چیزی نیست، جز پلیسی برای استقرار نظام فاشیستی. چنین است واقعیت، و بنابراین آنکس که آگاهانه میگوید: «حالا از زمان شاه ملعون بدتر است»، یک ضد انقلابی بی کم و کاست است و آنکس، که ناآگاهانه، بدلیل ناراضی از نارسائیها، ندانم کاریها، اشتباهات، انحصار

طلبی و قشری گری، چنین مبعلاقی را بر زبان و یا بر قلم جاری میسازد، باید توجه کند که می رود در «طاس لفظی» ای در غلطه که ضد انقلاب تعبیه کرده است.

اما سخنان امام خمینی در توصیه به گروههایی که در موضع ستیز با جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته اند، رهنمودی است پدران و راهکشا، که این گروهها باید با صداقت تمام آنرا بپذیرند و بدان عمل کنند، اسلحه خود را تحویل دهند و عملاً در صف نیروهای راستین انقلابی قرار گیرند و در چارچوب قانون، آزادی فعالیت سیاسی خود را کسب کنند. این بسود خود آنها و کشور است. بنظر ما این گروهها بار دیگر - و این بار شاید تکرار نشود - بر سر دو راهی قرار گرفته اند که: یک راه آن بسوی جبهه انقلاب و راه دیگر بسوی جبهه ضد انقلاب است.

تردید نباید کرد و باید بدرستی راه بسوی جبهه انقلاب را برگزید. هیچ شجاعتی بالاتر از شناخت اشتباه خود و تصحیح آن نیست. این شجاعت را باید داشت. آنها که بگفته امام خمینی، «واقعا برای این مردم و این ملت و برای این کارگرا و برای این دهانها دلموز هستند»، بگمان ما بر احوالی میتوانند در خود چنین شجاعتی نیابند.

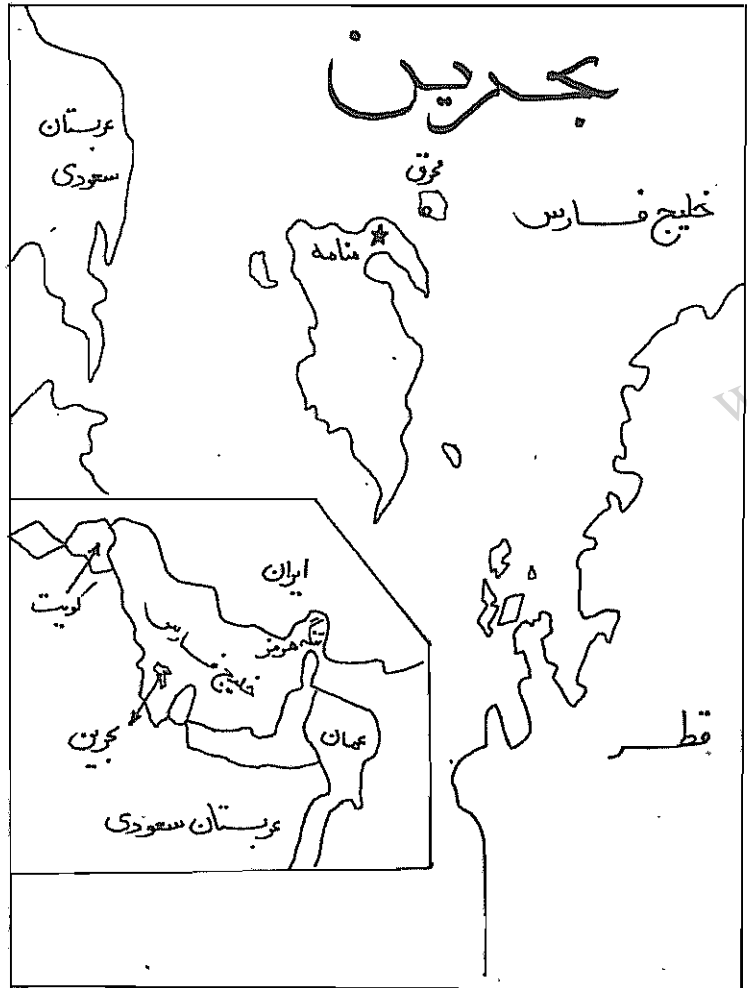
«لوح افتخار» را کامل کنیم

شهدای توده‌ای در قیام خلقی آذربایجان

بحرین - پایگاه نظامی امریکا در خلیج فارس

تاریخ: وجه تسمیه بحرین (دو دریا) آنست که این سرزمین میان دریای آب شور اطراف و آب شیرین سرچشمه‌ها و چاه‌های درونی خود قرار دارد. بحرین، از اینرو سده‌ها پیش، پناهگاه دریانوردان بوده است. شواهد تاریخی حاکیست که حتی در عصر حجر قدیم در جزایر بحرین انسان‌ها زندگی می‌کرده‌اند. ساکنان بحرین، که بیشتر آن‌ها تاجران و کسبه تشکیل می‌دادند، در سده هفتم میلادی به اسلام روی آوردند و به قیومت خلفای بنی‌امیه در دمشق درآمدند. بحرین در آغاز سده دهم میلادی استقلال خود را باز یافت، ولی در سده‌های سیزده و چهارده میلادی نخست به تصرف ایرانی‌ها درآمد و سپس در سال ۱۸۸۶ (۱۳۰۵) از سوی پرتغالی‌ها تسخیر شد. دوازدهم سده میلادی، قبیله‌هایی چند از شبه جزیره عرب به بحرین کوچ کردند. در سال ۱۱۹۵ (۱۸۱۶) سلسله کنونی پایه‌گذاری شد. در سده نوزدهم میلادی، پس از عقد قرارداد های گوناگون، از جمله قراردادهای ۱۲۲۱ (۱۸۴۲) و ۱۲۴۰ (۱۸۶۱)، سیادت استعماری بریتانیا بر بحرین

نام رسمی: دولت البحرین استیت آو بحرین (کشور بحرین) سرزمین: امیرنشین بحرین سرزمینی است واقع در منطقه خلیج فارس، نزدیک به ۳۰ کیلومتری ساحل خاوری عربستان سعودی. این کشور از ۳۳ جزیره به وسعت ۵۴۸ کیلومتر مربع تشکیل می‌شود. آب و هوای این کشور مرطوب و خیلی گرم است. حداکثر گرما در تابستان ۴۴ درجه و در زمستان ۱۰ درجه و میانگین سالیانه گرما ۲۵ درجه است. رطوبت نسبی در بحرین ۹۰ درصد و مقدار باران سالیانه نزدیک به ۱۵۵ میلیمتر است. سکنه: بحرین دارای ۳۶۰۰۰۰ نفر جمعیت است، که ۹۰ درصد آن‌ها را اعراب تشکیل می‌دهند. بقیه آن‌ها ایرانی، پاکستانی، بلوچ، هندی و بازماندگان بردگان آفریقایی هستند. پایتخت بحرین المنامه (۱۵۰ هزار نفر) نام دارد و دیگر شهرهای مهم آن عبارتند از: محرق (۶۰ هزار نفر)، عیسی شهر (۴۵ هزار نفر) و وفاق (۱۰ هزار نفر - مقر امیر بحرین). ۹۵ درصد بحرینی‌ها مسلمان



آغاز گردید. قرارداد ۱۲۲۱ اسفند ۱۲۷۱ (۱۳ مارس ۱۸۹۲) بحرین را تحت الحمایه بریتانیا ساخت و شیخ بحرین عملاً به عامل حفظ اقتدار استعمار بریتانیا تبدیل شد. در سال‌های ۵۰ سده بیستم، بزرگ‌ترین جنبش توده‌ای ضد استعماری و ضد فئودالی به رهبری "جبهه آزادی" بخش ملی بحرین در بحرین پدید آمد. در آن دوران، شرایط بسیار دشواری بر این کشور حکمفرما بود. بحرین، از نظر اجتماعی، سرزمینی بسیار عقب افتاده به شمار می‌رفت و کارگران آن از سن غنی مبارزه بی بهره بودند. در منطقه عرب تصعب شونیستی - ملی‌گرایانه به اوج خود رسیده بود. تأثیر بی‌آمندهای جنگ سرد در این منطقه نیز آشکار آید می‌شد. در این شرایط بود که "جبهه آزادی بخش ملی بحرین" هدف‌های خود را اعلام داشت. مهم‌ترین هدف "جبهه" عبارت بود از: درهم شکستن رژیم تحت الحمایه و دست‌یابی به استقلال کامل. اما قیام ملی مردم بحرین در بقیه در صفحه ۶

هستند و شماره سنی‌ها و شیعه‌ها تقریباً برابر است. زبان رسمی: عربی، در محافل تجاری به انگلیسی و فارسی نیز صحبت می‌شود. پول: ادینار بحرین = ۱۰۰۰ فلس (۱ دلار ایالات متحده = ۳۷۶ فلس) دینار بحرین: رژیم بحرین، سلطنت مطلقه است، بدین معنی که قوای مقننه و مجریه در دست "امیر" متمرکز است. فرمانروای کنونی بحرین، شیخ عیسی ابن سلمان الخلیفه، و نخست‌وزیر این کشور برادر او، شیخ خلیفه ابن سلمان الخلیفه، است. نزدیک به نیمی از وزیران از خاندان "امیر" هستند. در سال ۵۴ - ۱۳۵۲ (۷۵ - ۱۹۷۳)، در بحرین، "مجلس ملی"، مرکب از ۳۰ نماینده و ۱۲ عضو دولت وجود داشت. جشن ملی بحرین روز ۲۵ آذر (۱۶ دسامبر) است، که روز تاجگذاری امیر شیخ عیسی ابن سلمان الخلیفه در سال ۱۲۵۰ (۱۹۷۱) به شمار می‌رود.

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در تیریز اعدام شده‌اند:
- ۴۱- میر محمود جنگی
 - ۴۲- علی محمد دست‌آموز
 - ۴۳- میر محمد حسین محمودی
 - ۴۴- اسماعیل ابراهیمی
 - ۴۵- محمد دژنگا
 - ۴۶- محمد قاموری
 - ۴۷- اسماعیل جهان‌نیده
 - ۴۸- عوض حسین پور
 - ۴۹- سید حسن جلالی
 - ۵۰- حسین ضیائی
 - ۵۱- بخشی ترابی
 - ۵۲- محرم ستاری
 - ۵۳- علی فدائی
 - ۵۴- کریم نبردی
 - ۵۵- هلال هلالی
 - ۵۶- روح‌الله حسینی
 - ۵۷- صمد نشون
 - ۵۸- علی جدی
 - ۵۹- محمد حسن اصل رزاق

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در آستارا اعدام شده‌اند:
- ۶۰- امیر شهبازی خشیروانی
 - ۶۱- میر مصطفی شیرامینی
- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در ارومیه اعدام شده‌اند:
- ۶۲- ابراهیم جلیلی
 - ۶۳- اسحاق یونانوف
 - ۶۴- بیریم زندشت
 - ۶۵- رابی یوشه بیت‌دانیل
 - این رفیق در میان دو آب اعدام شد
 - ۶۶- خانعلی مطیعی

- رفقای زیرین اهل قریه «نمرین» بودند، که در ۱۴ دیماه ۱۳۲۵ توسط ستوان ۲ پیاده غلامرضا بینا، در کتان شهر اردبیل، جنب آسیای آقا، خودسرانه تیر باران شدند:
- ۶۷- حمداالله عزیز
 - ۶۸- یوسف قره‌عبدالمناف
 - ۶۹- فرزند مردعلی
 - ۷۰- میرعلی اکبر سیدعلی
 - ۷۱- غلامرضا محمدتقی
 - ۷۲- منصور رستم
 - ۷۳- میر اسماعیل سیدحسین
 - ۷۴- کریم ابوالفضل
 - ۷۵- محسن جهانگیر
 - ۷۶- تام‌اوغلان آبی
 - ۷۷- رضا قربانعلی
 - ۷۸- فیض‌الله قربان
 - ۷۹- جبرئیل وهاب
 - ۸۰- چلوخان عبدالمناف
 - ۸۱- پلوخان عبدالمناف
 - ۸۲- سلطان بابانصیر

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در اردبیل اعدام شده‌اند:
- ۳۸- میر رحیم نوعی
 - ۳۹- اژدر شافعی
 - ۴۰- محمد بشیری

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در تیریز اعدام شده‌اند:
- ۱- حسین غفاری (ستوان ۱)
 - ۲- قربانعلی آربین‌تاش (ستوان ۲)
 - ۳- غلامحسین ناصری (سروان)
 - ۴- عطاءالله زندیان جزی (ستوان ۲)
 - ۵- اصغر افتخارهریسی (ستوان ۱)
 - ۶- علی اکبر ثمری (ستوان ۱)
 - ۷- شاهپور شرقی (ستوان ۱)
 - ۸- عظیم بلندی جاوید (ستوان ۲)
 - ۹- عبداللہ ستارزاده ذری (ستوان ۲)
 - ۱۰- اکبر تمیزی (گروهبان ۲)
 - ۱۱- اژدر بالنداری (سرگرد شهربانی و رئیس کلانتری در تیریز)
 - ۱۲- تیمور مددی
 - ۱۳- علی اکبر رامین
 - ۱۴- محمد رضا حاجی‌زاده
 - ۱۵- هارطون هایرایطیان
 - ۱۶- اسدالله بطلاب
 - ۱۷- علی اکبر صابری

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در مراغه اعدام شده‌اند:
- ۱۸- ساوالان قلی‌زاده
 - ۱۹- محمود امام‌پور
 - ۲۰- اکبر مکاری
 - ۲۱- حبیب حبیب‌زاده
 - ۲۲- خلیل غلامی
 - ۲۳- علی قنبرپور قلعه‌جوتی
 - ۲۴- علی اکبر وکیلان
 - ۲۵- حسن حسین‌نژاد
 - ۲۶- حیدر آفاقی
 - ۲۷- مهدیقلی توحیدی
 - ۲۸- محمود ابراهیمی
 - ۲۹- نوروزعلی دولتی
 - ۳۰- سلمان سلیمانی
 - ۳۱- احمد رشیدی
 - ۳۲- سیفعلی کریمی

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در سراب اعدام شده‌اند:
- ۳۳- ابراهیم سهرابی (ستوان ۱)
 - ۳۴- بهمن حمیدی دانشور (ستوان ۲)
 - ۳۵- یحیی شیخ (ستوان ۳)
 - ۳۶- علی سلیمان‌پور
 - ۳۷- سعادت‌خان سلیمان‌پور

- رفقای زیرین در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ در اردبیل اعدام شده‌اند:
- ۳۸- میر رحیم نوعی
 - ۳۹- اژدر شافعی
 - ۴۰- محمد بشیری

۱۴ بهمن ۱۳۵۹، در روز شهیدان حزب و جنبش، "نامه مردم" "لوح افتخار" شهیدان توده‌ای را منتشر کرد. در مقدمه "لوح افتخار"، که متأسفانه کامل نبود و نمی‌توانست بعد از ۲۵ سال دیکتاتوری و خفقان، که نوک تیز حمله آن پیوسته متوجه مبارزان توده‌ای بود، کامل هم باشد، از همه هم میهنان و رفقای توده‌ای خواسته شد که "لوح افتخار" را کامل کنند.

انتشار "لوح افتخار" خود افتخار تازه‌ای را برای حزب توده‌ای ما سبب شد. بلافاصله سیل نامه و اطلاع به "نامه مردم" سرریز شد. هر نامه که می‌رسید، در خود شقایق سوخته‌ای را از خیل شهیدان حزب توده ایران معرفی می‌کرد. نام‌های پرافتخار شهیدان، که جلادان کوشیده بودند با هر ترفند و حيله آنها را بدست فراموشی بسیاریند، از اعماق روزهای سیاه رژیم ددمنش پهلوی قد برمی‌افراشت، زنده می‌شد و به جانب حزب می‌آمد و می‌آید. شهیدان گمنام توده‌ای زنده می‌شدند و می‌آمدند. و هنوز می‌آیند. بعد از بیش از سه ماه از انتشار "لوح افتخار"، همچنان نام‌های تازه و تازه‌تر بدست ما می‌رسد. باید گفت: رفقا، فمونیسم! و باید افزود: مردم قهرمان ایران، رفقای توده‌ای، هنوز لیست شهدای حزب قهرمان ما کامل نیست. باز هم به یاری شما نیاز داریم. از شما طلب می‌کنیم "لوح افتخار" را بازمه کامل کنید. لطفاً در ارسال نام شهیدان حتماً این نکات را رعایت کنید:

- ۱- مشخصات کامل شهیدان: قبیله، نام، شهرت، سال تولد، محل تولد، وضع خانوادگی، حرفه و... را بنویسید.
- ۲- سابقه مبارزاتی رفیق شهید را ذکر کنید.
- ۳- تاریخ شهادت، علت دستگیری و علت شهادت رفیق را دقیقاً شرح دهید.
- ۴- عکس رفیق شهید را برای ما بفرستید.

متشکریم

● ● ●

مکمل "لوح افتخار" ما، نام شهیدان قهرمان فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان است. این نام‌ها بر اساس اطلاعات رسیده از رفقای توده‌ای تنظیم شده است. ناگفته پیداست که این شهیدان همیشه جاوید تنها بخش کوچکی از ۲۰ هزار شهید خلق آذربایجان هستند. از همه رفقا خواهشمندیم که در تکمیل "لوح افتخار" ما را یاری کنند.

یادآور می‌شویم که علاوه بر این رفقای شهید، نام ۴۹ شهید توده‌ای دیگر، که در سرکوب قیام خلقی آذربایجان توسط دژخیمان شاه به شهادت رسیدند، در "نامه مردم"، مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، چاپ شده است.

توجه

رفیقی نام شهید احمد مشکات منیر را برای ما فرستاده است. از رفیق فرستنده خواهشمندیم که مطابق نکات یاد شده در بالا، مشخصات کامل زندگی و شهادت رفیق احمد مشکات منیر را برای ما بفرستد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی
و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

به کوشش شورای کارخانه ارج:

۵۶ درصد از سهام خصوصی کارخانه ارج ملی شد

ماضن تبریک به شورای کارخانه ارج از نظر بدست آوردن پیروزی فوق موفقیت‌های بیشتری را برای آنها آرزو مندیم .

مسلم کارکنان زحمتکش و انقلابی کارخانه ارج در ادامه تلاش‌های خود هر مانعی را از پیش پای بر خواهند داشت و در جبهه کار به دفاع از انقلاب، با شعار افزایش تولید، حفظ آرامش و پاسداری از وحدت نظر و عمل زحمتکشان در کنار سایر اقشار زحمتکشان مینهن، پیروزی-های دم افزونی کسب خواهند کرد .

در آخرین روزهای سال گذشته، بنا به درخواست شورای کارکنان کارخانه ارج، مجمع عمومی تشکیل شد. در این مجمع، شورا گزارش فعالیت چند ماهه خود را به کارکنان عرضه کرد، که مهمترین آن پیگیری مسئله مالکیت کارخانه بود. سخنگوی شورا اظهار داشت که شورا توانسته است از ۶۳٪ سهام خصوصی ارجمندها و وابستگان آنها، ۵۶٪ را ملی کند و تکلیف ۷٪ آن هنوز روشن نیست. ۲۵٪ سهام این کارخانه متعلق به سازمان گسترش صنایع (دولتی) است و ۱۷ درصد دیگر به کارکنان تعلق دارد.

سازمان تامین اجتماعی به «نامه مردم» پاسخ می‌دهد

هزینه سفر و فوق العاده مربوط را نیز پرداخت می‌نموده است، ولی مشارالیه با کمال تأسف نه آنکه از این رحمت استفاده نکرده، بلکه از تاریخ ۵۹/۴/۲۲ لغایت ۵۹/۱۱/۲۳ در هیچ یک از دو محل (محل کار قبلی و محل کار جدید) حاضر نشده است و بموجب ماده ۴۰ آیین نامه استخدامی سازمان تامین اجتماعی، چنانچه مستخدم ثابت مدت پانزده روز بدون عذر موجه در محل خدمت خود حاضر نشود، از تاریخ ترک خدمت مستعفی شناخته می‌شود و استخدام مجدد او به عنوان در سازمان تامین اجتماعی ممنوع خواهد بود.

اداره روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی در نامه‌ای به شماره ۴۹۲۶/۹ مورخ ۶۰/۲/۱۰، به مطلب «نامه مردم» زیر عنوان «تبعید و اخراج یکی از هواداران حزب توده ایران از سازمان تامین اجتماعی» پاسخ داده است، که در زیر عینا درج می‌گردد.

«خانم فرارست فایقی طبق مستندات غیر قابل انکار و نظر دادگاه مربوطه می‌بایستی محکوم به اخراج و سپس مجازات بعدی می‌شد، ولی باتوجه به رحمت اسلامی و رای قضات بی‌نظر محکوم به انتقال به محل دیگری جهت انجام وظیفه شده است و حتی سازمان

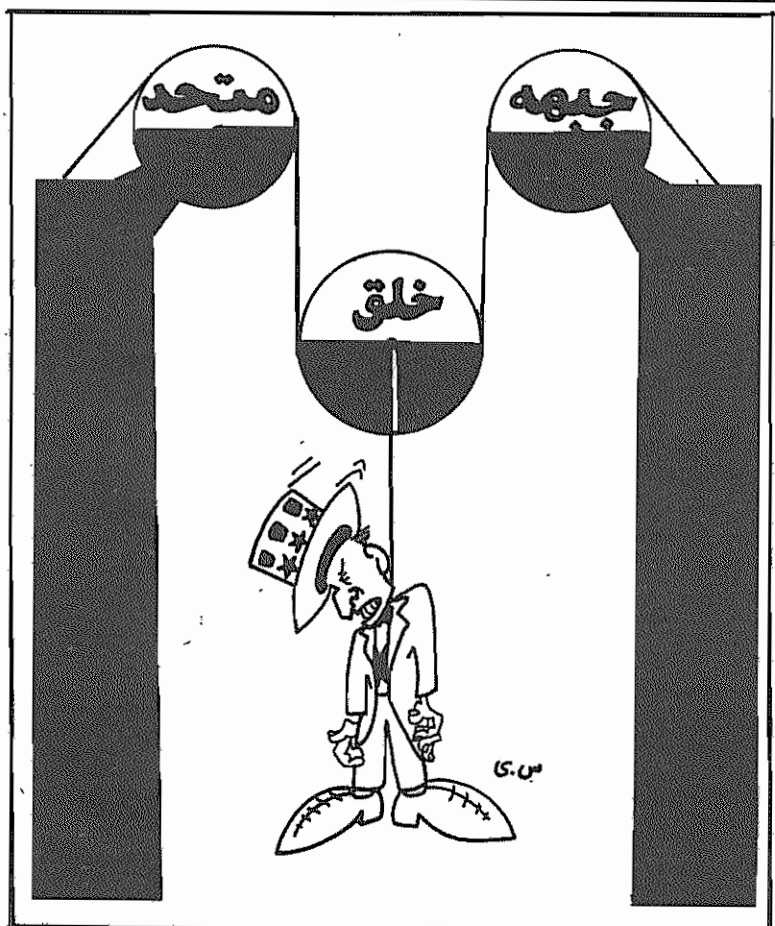
در تنگنا گذاشتن زحمتکشان به سود ضدانقلاب است!

برای گرفتن حقوق خود به نهادهای انقلابی در بندرامام خمینی و همچنین به وزارت کار و امور اجتماعی در تهران مراجعه کرده‌اند، اما متأسفانه نتوانستند نتیجه‌ای بگیرند.

از مسئولین انتظامی رودکه هر چه سریعتر به مشکل کارکنان شرکت کامینوس رسیدگی کنند، و از تنگنا گذاشتن زحمتکشان، که بسود ضدانقلاب است، بپرهیزند.

چندی پیش در «نامه مردم» خبری درج شد، که طبق آن کارکنان شرکت کامینوس، واقع در بندر امام خمینی، خواستار پرداخت ۶ ماه حقوق معوقه خود بودند. ولی کارکنان شرکت فوق نه تنها حقوق معوقه خود را دریافت نکردند، بلکه همگی از کار اخراج نیز شدند و تعداد کارکنان شرکت در تهران به نصف تقلیل پیدا کرد.

همانطور که در خبر قبلی نیز آمده بود، کارکنان شرکت مذکور تاکنون بارها



وحدت و اتفاق اقشار مختلف مردم ضامن پیروزی نهایی است. از پیام وزیر کار و امور اجتماعی بمناسبت روز کارگر

در حاشیه جشن اول ماه مه:

پیام‌ها و شعارها، موضع مسئولین، نیازهای انقلاب و خواست‌های زحمتکشان

همه نیروهای انقلابی و شخصیت‌های مسئول و متعهد و پیرو خط امام، هم پای امواج خروشان و انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران، راه استقلال و آزادی و ترقی جامعه ایران را هموار سازند.

جشن اول ماه مه، سالروز هم بستگی فرخنده طبقه کارگر، امسال در میهن ما نشانگر پیوند دوران ساز کارگران و زحمتکشان و عزم استوار آنان در راه محو سلطه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا از میهن، مبارزه برای دست یافتن به جاسم‌های برخوردار از آزادی و عدالت اجتماعی، و به منظور محو نابرابری‌ها

مضمون اصلی قطعنامه‌ها و محتوی اساسی شعارهای انبوه میلیونی کارگران و زحمتکشان ایران در این روز، بیان نامه انقلاب شکوهمند مردم ما، ادعای ما، میهن انقلابی علیه تجاوزهای آشکار و نهان امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، راهگشای حرکت جامعه ما در بزرگراه شکوفان فردا و چاره‌ساز دشواری‌های حال و آینده است.

هم‌نوایی مسئولان انقلابی و متعهد جمهوری اسلامی ایران با آرمان‌های کارگران و زحمتکشان گویای انسجام نظام انقلابی ایران، استواری پایه‌های آن در دل توده‌ها، و درستی هدف‌های برگزیده آن است.

در مبارزه با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، دفع تجاوز آمریکایی صدام، تامین آرامش و استقرار حاکمیت قانون، تامین خواست‌های زحمتکشان، حفظ و حراست از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم و مقابله پیکر و پرتوان با دشواری‌ها، مبارزه با کلان‌سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، و اگدازی زمین به کشاورزان بی‌زمین و کم‌زمین از طریق اجرای بند «ج» و «د» قانون اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه‌های وسیع توزیع دولتی و تعاونی کالاها، اساسی مصرفی، مبارزه با غارت محترکین، واسطه‌ها و گران-فروشان، همه و همه از وظایف مبرم مسئولین جمهوری اسلامی ایران است.

حمایت بی‌دریغ کارگران و زحمتکشان ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مفهومی جز ضرورت تعمیق انقلاب و گسترش ابعاد مردمی آن ندارد و بی‌شک دفاع کارگران و زحمتکشان از انقلاب و پیکار دلاورانه آن‌ها در جبهه و پشت جبهه با این خواست‌های اساسی همراه و همزاد است. گسترش و پیشبرد انقلاب از طریق این اقدامات، ضد-انقلاب را در دست یافتن به اهداف نامردمی و پلید خود تنها خواهد گذاشت.

آمریکا و دیگر شیاطین فقط در شعارهای آتشین و تظاهرات پر شور خلاصه نمی‌شود. لازمه پیروزی و کسب آزادی کار و تلاش هر چه بیشتر است... و برای نیل به خودکفایی باید. لحظه‌ای از پان نشینیم.

در این راه شاهد پیروزی بی‌هیچ تردید در کنار ماست، زیرا آنجا که پای اراده انسان‌ها در میان است، چه مشکلی می‌تواند لاینحل باقی بماند؟ هدف دفاع از موجودیت انقلاب، تحکیم، تعمیق و گسترش دست‌آوردهای آن و نابودی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا است. اما چگونه می‌توان به این هدف دست یافت؟

آقای میرمحمد صادقی، با اشاره به این که در جریان انقلاب، با رهبری امام خمینی، همه فریادها یک فریاد شد... آن هم علیه دشمن اصلی و در نتیجه ما توانستیم رژیم وابسته را از ایران برانیم و ماهیت کریه‌پوشالی آمریکا را به جهانیان نشان دهیم. به این سؤال چنین پاسخ می‌دهد: «از این تجربه گرانبها درس بگیریم و هم‌چنان متحد و یکپارچه کار و سازندگی بپردازیم. وحدت و اتفاق اقشار مختلف مردم ضامن پیروزی نهایی است و هرگونه تشتت و اختلاف آرزوی دیرین دشمنان است.»

و به عبارت دیگر، همان طور که خود کارگران فریاد زده‌اند: «کارگر متحد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز.»

کارگران و زحمتکشان ایران با

پدر سال جدید با تصویب و اجرای قوانین انقلابی از جمله قانون کار و بیمه‌های اجتماعی به کمک خود کارگران، زحمتکشان را در مبارزه علیه ضدانقلاب یاری دهید

شرکت در جشن‌های اول ماه مه نشان دادند که با شعار واحد در راستای مبارزه برای رسیدن به هدف واحد حرکت می‌کنند و بر نقش تاریخی خویش آگاه و به انجام رسالت خویش توانا هستند.

در پیام وزیر کار و امور اجتماعی این هشدار بجا مطرح شده که «ضد انقلاب جهانی لحظه‌ای از توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی غافل نخواهد بود. دبروز مداخله نظامی درطیس، امروز هجوم دشمن اشغالگر، فردا احتمال استفاده از نیروهای واکنش سریع... و از این جهت ما نیز باید به‌فنون رزمی آشنا شویم... و زمانی پیروزی در جنگ از ضمانت کافی برخوردار است که در پشت جبهه آرامش باشد...»

در این شرایط وظیفه کارگران روشن است: «بزمگان واجب است که آرامش واحدهای تولیدی را حفظ نمایند و پسرمانده‌های رژیم پیشین را، که قصد اخلال در کارخانه را دارند، از خود برانند. هوشیار باشید که بر نامه کنونی آمریکا، ایجاد اختلاف است و باید از اختلاف و تفرقه بپرهیزید. اختلاف افکنان بدانند که خواسته‌ونا-خواسته راه «کی سینجر» زامی روند.»

وزیر کار در پایان پیام خود اظهار امیدواری کرده است که در «سال قانون» دولت با همیاری مجلس، هر چه سریع‌تر به مسئله مالکیت بپردازد.

ما این سخنان وزیر کار و امور اجتماعی دولت جمهوری اسلامی ایران را منطبق بر ضرورت درنگ ناپذیر حرکت انقلاب ایران می‌دانیم و آرزو مندیم که

جشن اول ماه مه امسال، در سومین بهار آزادی کارگران و زحمتکشان ایران، باشکوه هر چه تمام تر و با شرکت گسترده مردم انقلابی ایران در گردهمایی‌ها، تظاهرات و راهپیمایی‌های میلیونی در سراسر کشور برگزار شد.

نظام جمهوری اسلامی ایران، نهادهای انقلابی و دولتی، مقامات مسئول، شخصیت‌ها، نیروهای سیاسی و عموم سازمان‌های صنفی طبقه کارگر این روز فرخنده را با ارزش گذاری والا، به شایسته انقلاب ماست، و طی پیام‌ها، خطابه‌ها، قطعنامه‌ها و شعارها گرامی داشتند و تودمهای میلیونی مردم در سراسر کشور با فروش انقلابی خویش بر عظمت این روز گواهی دادند.

بی‌شک از نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، بنا بر ماهیت خویش جز این انتظاری نمی‌رفت. انقلاب که دشمن اصلی خود را امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، یعنی دشمن اصلی طبقه کارگر جهان می‌داند، ناگزیر باید به کارگران و زحمتکشان بمشابه اهرم اصلی حفظ و حراست از انقلاب و گسترش دست-آوردهای آن تکیه کند.

رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روز کارگر را «روز همه ملت» نامیدند. و «حیات یک ملت را مرهون کار و کارگر» ارزیابی کردند و تأکید نمودند که: «اگر کشوری رو به رشد بود، با دست شما کارگران عزیز رو به رشد می‌رود...»

امام خمینی در آستانه برگزاری روز کارگر، این روز را «به خصوص به کارگران گرانقدر و عموم ملت و مستضعفان جهان» تبریک گفتند و طبقه کارگر را بمشابه «ستون فقرات استقلال کشور، اسطوره سرنوشت ساز و رهایی بخش» ارزیابی کردند و گرامی داشت این جشن فرخنده را وظیفه‌ای «ملی، اسلامی و همگانی» دانستند.

تجربه بیش از دو سالی که از

انقلاب می‌گذرد، به خوبی نقش و اهمیت حضور و مبارزه طبقه کارگران ایران را در رخنه کردن توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و ضد انقلاب پرورده آن مدلل ساخته است.

پیام وزیر کار و امور اجتماعی به مناسبت روز اول ماه مه به‌طور مشخص بر مسائل اساسی و وظایف مبرم طبقه کارگر ایران به‌قرار زیر اشاره دارد: وحدت و همبستگی کارگران، کار و تلاش برای تولید بیشتر، به منظور مقابله با «شیطان بزرگ» و نیل به استقلال و خودکفایی، حفظ آرامش و کمک به رفع آثار تجاوز آمریکایی رژیم صدام از طریق شرکت فعالانه در بسیج و آشنایی با فنون نظامی.

وزیر کار پیام خود را با تبریک روز کارگر به «کارگران، این سربازان ایثارگر جبهه کارخانه» آغاز می‌کند و این روز «گرامی داشت خاطر... بیاب-خاستگان ۹۵ سال پیش» را به‌ویژه از آن‌رو ضروری می‌شناسد که مردم ما نیز «توسط همان صاحبان زور و زر و مستکبران جهان‌خوار، که امام شیطان بزرگ» نام‌شان داد... تحت ظلم و ستم قرار گرفتند.

به این ترتیب طبیعی است که به گفتم رهبر انقلاب، امام خمینی، «همه قلم‌ها و قدم‌ها و تنگ‌ها باید به سوی این دشمن اصلی نشانه رود و در این راه هیچ فرصتی را نباید فرو گذاشت و هیچ سخن دیگری را نباید جایگزین این شعاریا «عصاره مبارزه زحمتکشان» کرد.

اما سخن تنها بر سر شعار نیست. جان کلام در این جاست که «مبارزه‌ها

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

به یاری صدها هزار دهقان زحمتکش سیل زده خراسان بشتاییم

سیلابهای بنیان کن، با هجوم بی‌امان و خاسمان برانداز خود، در تمام کستره استان پهناور خراسان خسارتی زیاد به بار آورد و قربانیانها گرفت و هزاران خانواده زحمتکش روستایی را آواره و بی‌خانمان کرد. حرکت این سیلابها که از ۹ اردیبهشت در خراسان شروع شد، هنوز ادامه دارد. زبان‌های این سیلابها تاکنون گریبانگیر روستاهای اطراف مشهد، درگز، قوچان، شیروان، گناباد، بجستان، کاخک، سرخس، گناباد، بجستان، کاخک، قاین، بیرجند، فردوس، طبس، نیشابور، سبزوار و کاشمر شده است. تلفات حانی و ویرانی بسیار زیاد خانه‌های روستایی و نابودی مزارع دام‌ها و احشام و باغات، از ارقامان‌های شوم این سیلابهای خاسمان برانداز است.

روستاهای بقی و سریده از توابع بجستان نابود شده است. در بخش کاخک ۲۰٪ زمین‌های زراعی از بین رفته و روستای ملاآباد بکلی ویران گردیده است. در روستاهای بخش کاخک ۸۰ تا ۱۰۰ درصد زمین‌های زراعی نابود گردیده است و باغات صدمه جدی دیده‌اند.

در نیشابور به چند روستا بخصوص روستای دهنوخلج زیانهای مالی وارد شده است. سیل قنات و زمین‌های مزروعی نزدیک به ۱۰ روستای سبزوار را درهم کوبید و به منازل مسکونی خساراتی وارد آورد. در کاشمر سیل سطح وسیعی از مزارع روستاهای اطراف را زیر گل ولای برد، ۵۰ خانه مسکونی روستای تل‌آباد بکلی ویران شد. بیش از ۱۵ روستای کاشمر را سیل فراگرفت. خانه‌های مسکونی زیادی ویران شده و تلفات مالی سنگینی به بار آمده است.

تاکنون در بیرجند بیش از ۵۰ روستا را سیل مورد حمله قرار داده است. ۱۲ روستای کالی ویران گردیده و در ۳۲ روستا بیش از یکصد قنات درهم کوبیده شده است. نزدیک به ۵۵ روستای بیرجند متحمل خسارات ناشی از نابودی مزارع و باغات و دامها و احشام گردیده‌اند. تاکنون قنات‌های بیش از ۱۰ روستای قاین برانریل ویران گردیده و بیشتر از ۲۰۰ راس گوسفند در روستاهای بغ مواد و گزو طمعه آب شده‌اند.

تاکنون از شهرستان فردوس روستاهای بخش شرقی آن، یعنی سرایان را سیل فراگرفته و در بسیاری از روستاها زیانهای مالی بسیار وارد شده است. قنات ۵۰ روستای بخش سرایان مسدود گردیده و مزارع زیادی نابود شده‌اند.

سیل در شمال خراسان تمام روستاهای مسیر رودخانه اترک را فراگرفته و تاکنون مناطقی وسیع و طولانی از زمین‌های زراعی و کشتزارهای قوچان تا چنود را نابود کرده است. بیروستایان اطراف قوچان تاکنون بیش از ۲۰۰۰ راس دام و ۲۵۰ منزل مسکونی خود را از دست داده‌اند. سیل بنیان کن قوچان ۶۰٪ روستاهای این منطقه را مورد هجوم قرار داده و زیان‌های زیادی به بار آورده است.

در روستاهای اطراف شیروان نزدیک به ۲۵۰ خانه مسکونی ویران گردیده است علاوه بر روستاهایی که در مسیر رودخانه اترک مورد حمله قرار گرفته‌اند، چندین روستای دیگر شیروان هم بر اثر سیل خساراتی سنگین دیده‌اند. کشتزارها و

احشام بسیاری نابود گردیده‌اند. تاکنون مزارع و باغات چندین روستای بجنورد در اطراف رودخانه اترک مورد هجوم قرار گرفته و از بین رفته و تعدادی خانه ویران گردیده است. سیل در شهرستان درگز، علاوه بر تلفات جانی، زیان‌های قابل ملاحظه‌ای به بار آورده است. روستایان اطراف بخش‌های نوحندان و لطف‌آباد تاکنون خانه‌های زیادی را از دست داده و متحمل خسارات سنگین ناشی از نابودی مزارع و دامها و احشام و باغات گردیده‌اند.

هم اکنون دولت جمهوری اسلامی ایران باید با تمام توان و امکانات خود، با بهره‌گیری از نیروی سازنده اهالی منطقه سیل‌زده خراسان و دیگر مردم ایران به یاری دهقانان زحمتکش بشتاید. هزاران دهقان زحمتکش تمام داروندارشان را از دست داده‌اند، دهها هزارهکتار کشتزار سرسبزشان نابود گردیده، هزاران دام نابود شده، هزاران خانه ویران و درهم کوبیده شده است. آنها به کمک و یاری بی‌دریغ و فوری احتیاج دارند. مواد غذایی و سوختی، چادر، پتو و... از نیازهای اولیه هم میهنان سیل‌زده خراسانی است.

با توجه به اینکه بارندگی‌های همراهِ با سیلابهای شدید، هنوز هم جریان دارد، علاوه بر کمک به سیل‌زدگان، باید روستاهای راکه مورد تهدید سیل هستند، از این بلا بنیان کن با تمام نیرو حفظ کرد. به علاوه برای احیاء کشاورزی و دامداری در این مناطق، باید هر چه زودتر برنامه عملی و دقیقی تدوین شود و وسایل اجرای آن تهیه گردد و جبهه سازندگی، که با سر بلندی و افتخار تاکنون از امتحان خدمت به دهقانان زحمتکش بیرون آمده، مأمور انجام آن شود. رفخ خرابی‌ها و پیامدهای سیل تنها متوجه نهادهای ادارات دولتی نیست همه ایرانیان انقلابی در اینجا وظیفه جدی عهد دارند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان طی اعلامیه ۱۴ اردیبهشت خود، از همه گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی و مردمی مخصوصاً از همه اعضا و هواداران خود می‌خواهد که با تمام نیرو و امکانات خویش، هماهنگ با نهاد های انقلابی و ارگان‌های مسئول، به یاری سیل‌زدگان بشتایند.

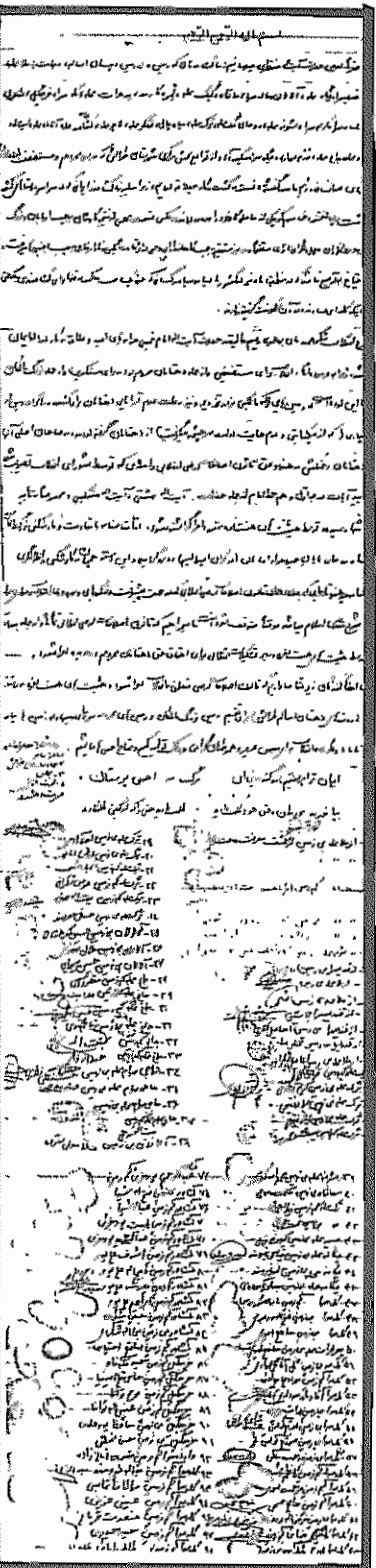
دهقانان روستاهای دهستان «اسالم» خواستار اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی هستند

روستایان ملامحله، قندسیرا، یگانه محله، آلاران، خاله سرا، خانقاه، گیلک محله، لمر، کاربند، پیرهرات محله، کلمسرا، خرگیل، دراز محله، کریم سرا، شونمه محله ترک محله، سیاه‌چال، شکر محله، لاچو - محله، کشاورز محله، سید محله، بداغ محله، وزم بیجار، دیگه سرا، سکینه باد و چند روستای دیگر دهستان اسالم، از توابع بخش مرکزی شهرستان طوالش در گیلان، طی نامه‌ای به دفتر امام خمینی و آیت‌الله منتظری، مصرانه خواستار اجرای فوری و کامل قانون اصلاحات ارضی هستند. دهقانان در نامه خود می‌نویسند:

"... وقوع انقلاب شکوهمندمان به رهبری زیم عظیم عالیقدر حضرت آیت‌الله امام خمینی جوانه‌های امید و علاقه به کار در دل‌هایمان ایجاد شد، زیرا به فرموده امام انقلاب برای مستضعفین و از جمله دهقانان محروم بودند برای مستکبرین و از جمله بزرگ مالکان. اعتقاد ما این بوده است که زمین‌هایی را که مالکین بجزور و تزویر و نیز به علت عدم توانایی دهقانان برای کشت و رها کردن زمین از ناچاری (از بی‌کفایتی و عدم حمایت دولت سرچشمه می‌گرفت) از دهقانان گرفته بودند، به صاحبان اصلی آنها، دهقانان زحمتکش بدهند و به حق قانون اصلاحات ارضی انقلابی و اسلامی، که توسط شورای انقلاب تصویب شده به تایید آیات درجه اول و هم خط امام از جمله حضرات آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله مشکینی و مخصوصاً "به تایید شما رسیده، توسط هیئت‌های هفت نفره به مورد اجرا گذاشته شود. اما مسافانه با مقاومت و کار شکنی بزرگ مالکان و روحانی‌نمایان جیرمخوار اربابان (نوکران امیرالایم) روبرو گردیده و این دسته هم چنان به کار شکنی و اخلاگری ادامه می‌دهند تا جایی که بند "ج" همان قانون اصلاحات ارضی انقلابی که در جهت پیشرفت و شکوفایی و بهره‌وری انقلاب و موازی شرع مقدس اسلام می‌باشد موقتا متوقف شده است. ما می‌خواهیم که قانون اصلاحات ارضی انقلابی تماماً از جمله بند "ج" آن توسط هیئت‌های هفت نفره سایر تشکیلات انقلابی برای احقاق حق دهقانان محروم رنج دیده اجرا شود.

دهقانان زحمتکش در پایان نامه خواستار ورود هیئت‌های هفت نفره و اگذاری زمین به روستاهایشان و اجرای تمام و کمال و فوری قانون اصلاحات ارضی برای رسیدن به خودکفایی در تولید شده‌اند.

در زیر این نامه ۱۵۰ امضا اثر



انگشت زحمتکشان روستاهای فوق‌الذکر دیده می‌شود. اینک که دهقانان زحمتکش، افق اجرای قانون رانزدیک می‌بینند، منتظر اجرای دستورالعمل، ورود و فعالیت مثبت و قاطع هیئت‌های هفت نفری هستند.

به روستائیان گاوکان، صیف آباد و پیرآباد یاری رسانید

درفصل زمستان بیماران خود را به شهر بوسانیم.

شوراهای این سه روستا میگویند که به بخشدار و جبهه سازندگی مراجعه کرده‌ایم. آنها میگویند بودجه‌اش نامین شده، ولی چند ماه است که از بازسازی جاده خبری نیست و هر وقت مراجعه میکنیم، همین جواب را میدهند.

اهالی روستای صیف‌آباد، پیرآباد و گاوکان از جمله مستضعفانی هستند که با تمام وجود از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند. دولت انقلاب با برنامه‌های عمرانی و طرح‌های وسیع برای آبادانی این گونه ویرانه‌ها میتواند مشکلات تولیدی و معیشتی و عمرانی یاران انقلاب را از پیش پای آنها بردارد.

از طرف دیگر پهلپها محکم درست نشده، اولین زمستان جاده را تقریباً نابود کرده است و با اولین بارندگی تمام جاده غیرقابل عبور میشود.

جاده روستای پیرآباد، که حتی دو سال پیش هم شربزی نشده، هم اکنون که کمی بارندگی شده، تنها وسیله ارتباطی آن با اطراف، تراکتور و یاساب است.

طول جاده ارتباطی سه روستا، که باید ترمیم و بازسازی شود، تنها در حدود ده تا پانزده کیلومتر است. اهالی این سه روستا میگویند:

"میدانیم شرایط جنگی است و مملکت در محاصره اقتصاد دیست، به همین دلیل توقع زیادی نداریم. فقط این جاده را بازسازی کنند تا بتوانیم

سه روستای نامبرده در منطقه کربال در ۲۰ کیلومتری خرامه در استان فارس واقع شده است. روستائیان تمام امکانات ابتدائی زندگی و از وسائل درمانی بی‌بهره‌اند. تنها گاوکان دارای یک حمام غیر بهداشتی و یک خانه بهداشت است، که متأسفانه بهیچار آن فرار است منتقل شود. دور روستای صیف‌آباد و پیرآباد از داشتن حتی یک حمام هم محرومند. مردم این سه روستا می‌گویند:

"کاش حداقل جاده‌ای مطمئن داشتیم که اگر کسی بیمار شد، بتوانیم او را به شیراز یا خرامه بوسانیم. جاده این سه روستا، که قسمت عمده آن مشترک است، در حدود دو سال پیش شربزی شده، ولی به علت اینکه قسمتی از آن از محلی باتلاقی میگردد



دهقانان در سالروز انقلاب شکوهمند مردم ایران در برخی از روستاهای کشور به جشن نشستند و سالروز انقلاب خود را گرامی داشتند. در عکسی که می‌بینید حسن درنیانی، دهقان خوش‌نشین، در یک جشن به مناسبت سالروز انقلاب ۲۲ بهمن سخنرانی کرد و خواستار اتحاد و یکپارچگی مردم برای مقابله با توطئه‌های امیرالایم آمریکا شد.

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس دارای زمین‌های بزرگت نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

دقت علمی ونه ملانقطی بودن

دوران گذار پس از انقلاب یا ارتش رژیم گذشته است، غلبه کنیم، "میتوانیم بنا بر اهمیتی که هر یک از این عوامل در لحظه معین و در جای معین دارند، این واژه‌ها را برای بیان مطلبی که می‌خواهیم، بکار ببریم، آیا قاعده قانونی هست که در فلان مقاله، چرا اقتصاد را اول آورد و اجتماعی را دوم؟ یا در ردیف کردن انواع مشکلات، چرا باید این یک یا آن یک را حقیقت مقدم داد و آنجا که باید تقدم داد، کجاست؟ دوست عزیز! از بکار بردن "تصادفی" ترتیب این واژه‌ها در "نامه مردم" یاد میکنید، باید دید کدام مورد و کدام مسئله، در چه لحظه و در کجا، گاهی هم در واقع فرقی نمی‌کند و میتوان "تصادفی" نوشت: مهم ترین تصمیمات اجتماعی - اقتصادی فلان حزب در فلان کشور عبارتند از: یا "مردم فلان کشور علیه تصدایر اقتصادی - اجتماعی دولت دست به فلان مبارزه زده‌اند."

دوستی می‌پرسد: "بکار بردن عبارت "اقتصادی اجتماعی"، که ترجمه فارسی آن باید "اجتماعی اقتصادی" باشد، آیا تصادفی است یا جنبه‌های علمی متفاوت دارد و یا تفاوت متدولوژیک دارد و نظایر آنها..." بدون تردید دوست ما معتقد نیست که مسائل را باید ملانقطی و بدور از متن و نمونه مشخص مطرح کرد. ما هم معتقد نیستیم که باید هر کلمه روزنامه را همچو موی زیر ذره بین گذاشت و پیشش مو را دید و حتما فرض کرد که لابد "حکمتی" در کار است که این واژه بر آن مقدم شده است.

دوست عزیز! بنظر ما باید به روح مطلب، به اساس اندیشه، به استخوان بندی استدلال توجه کرد. باید سعی کنیم که در کوره راه "جستجوهای علمی متدولوژیک" و "تفاوت‌ها"ی اندیشمندان و "بغرنج" یا سهویات ناشی از "تصادف" نیفتیم. باید عمده را در ریاضیم و اصل مطلب را بگویم. یک مطلب را اول روشن کنیم:

عباراتی در علم، نه تنها مصطلح میشود و "جامیافتد"، بلکه دقیقاً معنا و مفهومی را بیان میکند، که بخاطر دقت و صحت علمی، باید درست در جای خود بکار برده شود. عبارت دیگر، باید کوشید که نه تنها جوهر حکم علمی، اصل علمی، قانون علمی، مقوله علمی را درک کرد، بلکه با همان عبارت دقیق و مصطلح نیز بیان کرد. مثلاً "صورت بندی اجتماعی - اقتصادی" یا "فرم‌های اجتماعی" از مقولات اساسی ماتریالیسم تاریخی است. در اینجا دقیقاً واژه "اجتماعی" را نخست ذکر میکنیم، زیرا مربوط به جامعه بشری، با تمام جوانب گوناگون و ابعاد و جنبه‌های مختلف آنست. در اینجا معنای محدود "اجتماعی" مورد نظر نیست، بلکه معنای وسیع آن در "پیوند" یا هر چه مربوط به جامعه بشری است، مورد نظر است. بعد از این واژه، باید یک خط تیره متصل کننده، واژه "اقتصادی" را می‌آوریم، که نشان دهنده استخوان بندی اصلی و پایه اساسی در هر فرم‌اسیون مطابق تعریف مارکسیستی، آنست. بین این دو واژه حرف ربط "و" زاهم نمی‌گذاریم، که بطور مساوی دو مفهوم را در کنار هم بگذارد. مارکس که این عبارت دقیق علمی را بکار برد، با تمام دقتی که شایسته آن دانشمند داهی بود، شکلی کلامی را برای بیان محتوای اندیشه‌ای پیدا کرد، شکلی که مناسب علمی و دقیق است. ما هم باید کوشیم آن را در جای خود بکار ببریم. البته آسمان به زمین نیاید، اگر فقط جایی صورت بندی یا فرم‌اسیون بگوئیم یا خط تیره را نگذاریم و غیره. اگر خواستیم اثری علمی و رساله‌ای بنویسیم، باید حتماً دقت کنیم و عیناً همان شکل کلامی را برای نشان دادن محتوی اندیشه‌ای به کار ببریم، وگرنه در جنبه رسواس اینگونه "دقتها" گیر خواهیم کرد و از اصل مطلب، که درک ما به اهمیت مسئله است، بدور خواهیم افتاد و چنان گرفتار شکل و پیشش‌های فرضی می‌شویم که وجود و ماهیت خود را نخواهیم دید و شاید هم برایمان درک محتوای مفهوم "فرم‌اسیون اجتماعی - اقتصادی" یا علی‌السویه یا در درجه دوم اهمیت خواهد شد.

پس و پیش کردن این دو واژه چه اهمیت علمی و متدولوژیک و چه حکمت پنهانی میتواند داشته باشد؟ دوست عزیز! ما از فرصت سؤال شما استفاده کردیم، تا بهار دیگر "ملانقطی نبودن" را توصیه کنیم، بر خرد داریم که از عبارات و جملات "کد" های جدا از متن، استفاده دکامتی و جزمی نشود و زینهار دهیم که در کوره راه بحث‌های آکادمیک، جدا از زندگی، که غالباً چیزی بر علم نمی‌افزاید، بلکه به سفسطه و دور کردن از بحث مشخص و عدم درک ماهیت و گوهر اصلی میانجامد، نیفتیم.

پس، آنجا که مسئله دقیق اصطلاح جا افتاده و عبارت معین است، واژه مربوطه را دقیقاً بکار ببریم و آنجا که درباره مسائل جاری و روزمره توضیح میدهیم و تفسیر میکنیم، متنبه‌شخاش نگذاریم و در همه جا به دنبال "حکمت متدولوژیک" و یا "تصادف" سهل - انگارانه نباشیم.

با تشکر از این که، این فرصت را برای توضیح مطلب فوق بجا دادید،

شعر

پوشوری از پ. آذر بنام "وصیت" دریافت شد. بخشی از آن چنین است:
دختر کوچک من!
در عزای پدرت اشک مریز.
خون گلرنگ مرا،
برگ تاریخ نگه خواهد داشت.
"وطن" سروده‌ایست از فرزانه پ. که از شیراز برای ما ارسال شده است. چنین است قسمتی از آن:
وطن ای واژه خونین و طوفانی
وطن ای مادر محبوب هر ایرانی
وطن ای رزمگاه،
- قسم برخاک پاک پرزخونت،
- قسم برخطه سرخ جنوب،
- که خصم کینه توزت را بسوزیم.
- که تافردا تو را آزاد کنیم.

شماری از اشعار رسیده:

مینو کاز تهران دو شعر "شهید جاویدان خلق، خسرو روزه" و "ای نامه سنگرم"، روی پرچم، نه نقشه جغرافی، پارساتشگاه "سروده" م. ن. از تهران، از شهر آبادان، رفیق خرم شعر "بخاطر بسیار نامت را"، "صبری و امدادی" ارسالی از جانب رفیق فرهاد و سروده بدون نام شاعر بنام "عالی - جناب لیبرال" دریافت شد. موفقیت همه این دوستان را آرزو مندیم.

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران: ترکیب حاکمیت دزمر حله نوین: از لحاظ موضع گیری سیاسی و اجتماعی

از این دیدگاه در بخش موثر و تعیین کننده حاکمیت کنونی یعنی اکثریت مجلس شورای اسلامی، دولت و شورای عالی قضائی، دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها و سپاه پاسداران ۳ گرایش مشخص مشهود است که با خصیصه‌های انحصار طلب، واقع بین و روشن بین می‌توان آنها را تعریف کرد. جناح انحصار طلب حاکمیت که خصیصه آن عبارت است از قشری گری افراطی، امتناع از به رسمیت شناختن هرگونه حق برای دگراندیشان - حتی حق دفاع از میهن، حق انتخاب شغل، و در موارد باکمال تاسف نه چندان نادر حق زندگی کردن - هنوز نیرومند است و با ایجاد جو فشار، مجموعه اقدامات

حاکمیت را تحت تاثیر موضع گیری‌های زیان بار خود که موجب ناتوان کردن جنبه پایداری در برابر دشمنان انقلاب می‌گردد، قرار می‌دهد. نمونه بارز روش این جناح که به صورت حمله گروه‌های فشار به مراکز فعالیت حزب توده ایران، حزبی که تمام فعالیتش در جهت پشتیبانی از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران است، مشاهده شد و ناتوانی مقامات موثر حاکمیت در مقابل اعمال غیرقانونی این قشر، در فشارهایی بازتاب می‌یابد که اکنون بیش از ۸ ماه است به حزب ما وارد می‌آید و از دادن مراکز حزب ما خود داری می‌شود، در حالی که این فشارها با قانون اساسی که مورد پذیرش حاکمیت است

مبایت آشکار دارد. ولی آنچه می‌تواند به عنوان پدیده امید بخش در نظر گرفته شود، این است که در جریان برخورد حاکمیت با دشواری‌های گوناگون زندگی روزمره، در رودرروئی با توطئه‌های دشمنان خارجی و درونی انقلاب، با خرابکاری سرمایه - داران لیبرال و بادشواری‌های روزافزون ناشی از دگرگونی‌های بنیادی در نظام وابسته سیاسی - اقتصادی - فرهنگی "آریامهری"، گرایش واقع بین و روشن - بینی در حاکمیت، در همه زمینه‌ها رشد می‌کند. سرعت این رشد هنوز است. ولی می‌توان امید داشت که زندگی، این آموزگار بزرگ، بر این سرعت بیفزاید. بدون تردید مبارزه پیگیر توده - های عظیم زحمتکشان میهن ما در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران که تا مین کلیه حقوق اقتصادی - سیاسی و فرهنگی این توده‌ها در کنار تلاش عمده برای درهم شکستن همه توطئه‌های دشمنان انقلاب ایران به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جز جدائی ناپذیر آن است، این گرایش واقع بین و روشن - بینی را در حاکمیت ایران تقویت خواهد کرد.



بحرین - پایگاه...

بقیه از صفحه ۳

بحرین عضو "اوپک" نیست تنها در سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت" عضویت دارد. ذخیره‌های غنی گاز، بحرین را بر آن داشت که صنایع تولید برق و آلومینیوم را در کشور توسعه دهد. شرکت آلومینیوم بحرین " (آلومینیوم کامپانی اوبحرین) " با ظرفیت سالیانه ۱۸۰ هزار تن، بر پایه مواد خام وارداتی از استرالیا، آلومینیوم تولید و به ویژه به‌این صادر می‌کند.

یکی دیگر از نهادهای صنعتی مهم بحرین، اسکله بزرگ "عرب شپ" بیلدینگ اندری بی‌ریارد" است، که در آن حتی نفتکش‌های غول پیکره ۵۰ هزار تنی می‌توانند لنگر ببندند. برای آن که به نقش بحرین، به عنوان یکی از مراکزهای بین‌المللی بازرگانی و مالی پی ببریم، کافی است یادآور شویم که ما در این کشور ۱۱۸ بانک و نهاد پولی، از جمله ۵۸ واحد بانکی فراساحلی " (ا.و. بی. یو - آن شوربنکینگ یونیت) وجود دارد. این بانکها در دادوستدهای داخلی شرکت نمی‌کنند و تنها عملیات بانکی آنها با سرمایه خارجی است.

در اقتصاد بحرین، کشاورزی دارای نقشی جزئی است. تنها از یک دهم این کشور در کشاورزی استفاده می‌شود. مهم ترین محصولات کشاورزی بحرین عبارتست از: خرما، مرکبات و میوه. بزرگترین شرکای بازرگانی خارجی، بریتانیا (به موجب "قرارداد دوستی"، ۲۴ مرداد ۱۳۵۰ - ۱۵ اوت ۱۹۷۱)، ایالات متحده آمریکا، ژاپن، چین، استرالیا و جمهوری فدرال آلمان هستند.

آموزش و پرورش و بهداشتی: شماره دانش آموزان بحرین بالغ بر ۶۴۰۰۰ می‌شود. فزون بر این، در این کشور، ۵۷ کانون سوادآموزی برای بزرگسالان دایر شده است. آموزش حرفه‌ای در شرکت آلومینیوم بحرین، "عرب شپ" بیلدینگ اندری بی‌ریارد" تأمین می‌شود.

و "بحرین پترولیوم کامپانی" صورت می‌گیرد. "گالف تکنیکال کالج" ("کالج فنی خلیج") مشابه دانشگاه بحرین است. بهداری در بحرین رایگان و این کشور دارای ۱۵ بیمارستان است.

اوضاع کنونی:

بحرین، از نظر توسعه صنعتی، یکی از پیشرفته ترین کشورهای خلیج فارس به شمار می‌رود و دارای طبقه کارگر نسبتاً نیرومندی است، که از سن غنی تشکیل سندیکایی برخوردار است. در چارچوب سیاست تنش فزایی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، بحرین نیز، در کنار عمان، از مقامی "ویژه" بهره‌مند می‌شود. چنان که عبداللهرشید، عضو کمیته رهبری "جبهه آزادی بخش ملی بحرین"، چندی پیش اظهار داشت، آمریکا در بحرین به احداث پایگاه‌های نظامی دست زده است. وی هم چنین یادآور شد که، بخش بزرگی از کارشناسان آمریکایی، که پس از انقلاب ۲۲ بهمن، مجبور به ترک ایران گردیدند، "اینک" در کشور ما (بحرین) هستند، که در آن عملاً بزرگترین مرکز فرماندهی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه مستقر شده است."

دولت بحرین همواره به سرکوب اعتراضات مردم علیه حضور نظامی آمریکا در بحرین می‌پردازد. هر چند که این دولت، رباکارانه، تعهد کرده است که در راه تعطیل پایگاه‌های نظامی آمریکا کام بردارد، ولی به گفته عبداللهرشید، "جبهه آزادی بخش (ملی بحرین)" اسنادی در اختیار دارد، که به موجب آنها، هم افراد نیروی هوایی و هم یگان‌های نیروی دریایی آمریکا گماکان در بحرین مستقرند."

سیاست خارجی بحرین بر پایه مناسبات حسنه با رژیم ارتجاعی عربستان سعودی و وابستگی به کشورهای امپریالیستی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، استوار است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اعلامیه سازمان حزب توده ایران - بندرعباس:

توطئه ضد انقلاب را در بندرعباس با هوشیاری و قاطعیت درهم بکوبیم!

مردم مبارز بندرعباس! همانطور که اطلاع دارید، روز ۱۹ اردیبهشت جاری، در ساعت ۱۲ ظهر، دوتن از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسامی سقائی و شمشیری توسط ضدانقلاب مورد سوء قصد قرار گرفتند. یکی از دو پاسدار در این سوء قصد به شهادت رسید و حال دیگری بشدت وخیم است. در جریان این تیراندازی، جوان عابری نیز هدف گلوله قرار گرفت، که خوشبختانه زنده مانده است. نظیر این اعمال جنایتکارانه که در سایر نقاط کشور نیز صورت گرفته است، نشان میدهد که شبکه ضدانقلاب برای اجرای نقشه امپریالیسم آمریکا، علاوه بر تشنج آفرینی و درگیری، یار دیگری به پمپاندازی و ترور توسل جسته است. ضدانقلاب تلاش میکند به این ترورها، که خود طراح و مجری آن است، رنگ محلی بزند و آن‌ها را انتقام جویی در مقابل عملکردهای نهادهای انقلابی وانمود کند. ضدانقلاب می‌کوشد به این وسیله، علاوه بر ترور پاسداران، یعنی نیروهای مسلح مدافع انقلاب، توجه توده‌ها را از جهت اصلی مبارزه با امپریالیسم آمریکا و توطئه‌هایش - از جمله جنگ

تحلیلی - منحرف کند، بین نیروهای انقلابی تفرقه بیندازد و نهادهای انقلابی و مردم را در مقابل هم قرار دهد. حزب توده ایران - سازمان بندرعباس بمب‌اندازی، ترور و سایر اعمال مشابه را شیوه عمل سواک و ضدانقلاب ارزیابی میکند و اعتقاد راسخ دارد که قریبی‌ها، سایانی‌ها (از سازمان مجاهدین خلق) و محمداذکری‌ها و شمشیری‌ها (از پاسداران) قربانیان شیوه جدید توطئه امپریالیسم آمریکا هستند. ضدانقلاب بر آن است که با گشتن افرادی از نیروهای مختلف آنها را به جان هم بیندازد، تا بتواند از آب گل‌آلود ماهی بگیرد. درست در این شرایط حساس است که انقلاب از نیروهای انقلابی هشیاری می‌طلبد. از آنجا که وظیفه بسیار مهمی بر دوش نهادهای انقلاب است، حزب توده ایران از سپاه پاسداران بندرعباس میخواهد که با هشیاری با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و ایادی آشکار و پنهانش روبرو گردد و از واکنشهای احساسی، که میتواند دستاویزی برای اعمال پلید ضدانقلاب باشد، حذر کند

حجت الاسلام معادینخواه در جلسه محاکمه عباس امیر انتظام:

امام خمینی یک طغیان در برابر نظم غربی بود

* تکیه‌گاه اصلی امام خمینی توده‌ها هستند

* عباس امیر انتظام یکی از عوامل پیروزی خط آمریکا در ایران بوده است

* روزنامه میزان هر توطئه‌ای را علیه انقلاب تقویت می‌کند

اشاره به تقابل خط امام و بازرگان و همچنین توطئه انحلال مجلس، گفت:

«ما حرف خیلی داریم که نزدیک و ملت ایران بداند که ما این حرف‌ها را برای موقی گذاشته‌ایم که وقتش باشد. الان وقت عمل کردن است، وقت نجات انقلاب است.»

وی افزود: «امروز آمریکا را بیرون کردیم و آمریکاست که از در رفته و از پنجره می‌خواهد داخل شود. طبیعی است که اینجا باید جلو آمریکا را سد کنیم، بحث ندارد. حساسیت بیشتر روی آمریکا داشتن، دلیل دارد، شیطان بزرگ را آمریکا دانستن، دلیل دارد.»

حجت‌الاسلام معادینخواه در ادامه سخنانش گفت: «در هر صورت من معتقد هستم که یکی از عوامل بسیار مهم پیروزی خط آمریکا در ایران آقای امیر انتظام بودند و باید دادگاه انقلاب حق ملت را احقاق بکنند.»

پس از پایان سخنان حجت‌الاسلام معادینخواه، جلسه دادگاه به پایان رسید. جلسه بعدی دادگاه امیر انتظام، سخنگوی دولت موقت، امروز تشکیل میشود.

آقای معادینخواه! افترا زدن به حزب توده ایران در شان شما نیست

آقای معادینخواه، نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، ضمن سخنان خود در دادگاه امیر انتظام، که بخشی از آنها در این صفحه چاپ شده است، با کمال تأسف و تعجب، با لحنی که بهیچ‌روی در شان یک نماینده مجلس نیست، به حزب توده ایران افترا زد.

آقای معادینخواه گفت: «این‌ها (نهضت آزادی و...) می‌خواستند مجلس خبرگان را منحل کنند. حتی همین حزب توده، که حالا از انقلاب پشتیبانی می‌کند.»

این سخنان سبب نهایت خیرت و تأسف ما شد. چنانکه بر همگان روشن است و ظاهراً باید بر آقای معادینخواه هم روشن باشد، حزب توده ایران «حالا» از انقلاب پشتیبانی نمی‌کند، بلکه از روز اول، بنا بر مبنای اصولی و انقلابی خود، پشتیبان انقلاب ایران برهبری امام خمینی بوده و هست.

بعلاوه بر کسی پوشیده نیست که حزب توده ایران، با حفظ نظرات اصولی و انتقادی خود، هرگز خواهان انحلال مجلس خبرگان نبوده است. درست برعکس، حزب توده ایران تشکیل مجلس خبرگان را تأیید کرد و در انتخابات آن شرکت فعال داشت.

ما همانقدر که اطمینان داریم آقای معادینخواه برای سخنان خود کوچکترین مدرکی ندارند، صفحات متعدد «نامه مردم» را می‌توانیم «منوان مدرک برای صحت ادعای خود ارائه دهیم.

ما ضمن ابراز تأسف و تعجب مجدد از سخنان آقای معادینخواه، امیدواریم آنچه ایشان گفته‌اند، بعلت بی‌اطلاعی باشد.

جلسه محاکمه عباس امیر انتظام، سخنگوی دولت موقت به اتهام دجاسوسی برای آمریکا، روز ۲۲ اردیبهشت ۶۰، به ریاست حجت‌الاسلام محمدی‌گیلابی حاکم شرع تشکیل شد. در این جلسه حجت‌الاسلام معادینخواه به‌عنوان شاکی، ضمن سخنانی تأکید کرد که بعضی از انتصاب‌ها در دوران دولت موقت، قسمتی از توطئه براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در آغاز این جلسه، نماینده دادستانی، ضمن سخنانی، دفاعیات امیر انتظام را رد کرد. پس از آن حجت‌الاسلام معادینخواه، بعنوان شاهد، پشت تریبون قرار گرفت و از جمله اظهار داشت:

«... بازرگان دنبال آن بود که امام حتماً کانالیزه بشود... و گله آقای بازرگان این بود که چرا کانالیزه نشد...»

حجت‌الاسلام معادینخواه افزود: «شاه کارش به آخر رسیده بود و سعی می‌کرد هر طوری شده این رژیم را حفظ کند و درصدد آن برآمد که خطی درست کند. اشکال چی بود؟ امام بود، امامی که هیچ کاریش نمی‌شد کرده، نه می‌شد برای او کانال گذاشت، نه می‌شد سخنگو برایش تعیین کرد... و این‌ها را امام کلاً زیر بارش نمی‌رفت، آگاهانه هم، زیرا دوز و کلک دشمن را می‌شناخت.»

وی سپس گفت: «امام همیشه بهای اصلی را به توده‌ها داده و مخاطبش و تکیه‌اش آن‌ها بود... امام می‌داند که چه می‌کند و همین‌چور بود که آمریکا نتوانست پیروز شود.»

حجت‌الاسلام معادینخواه سپس، با اشاره به سخنان مهندس بازرگان، هنگام دفاع از امیر انتظام و تشریح «آزادی» مورد نظر وی گفت:

«این‌ها فکر می‌کردند آمریکا یک فشاری آورده، آزادی به اینها داده‌اند، انتخابات آزاد هم که باید بشود، پس ما چه مرضی داریم، می‌آئیم همانطور که آنها (آمریکا) خواستند، انتخاباتی برگزار می‌کنیم، ده بیست تا مومن به مجلس می‌رویم، اگر رقیب چه بهتر. این مسئله اصلاً اساسش این بوده که شاه نجات پیدا کند، منتها با استفاده از سادگی آقای بازرگان. منتها این سادگی یک ضعف عمده دارد که نداشتن تبری از آمریکا و کفر جهانی است... آقای بازرگان دوائر اعتمادی که به غرب پیدا کرده و به فکرش رسیده حقوق بشری است، آزادی است و... اگر اینطور بشود ما دیگر حرف‌مان چیست... و امام این‌ها را برهم زده است.»

وی سپس با اشاره به نظر مهندس بازرگان در مورد سیستم «سنگر به سنگر» و استفاده از آزادی‌هایی که در دوران شریف‌امامی داده شده بود، گفت: «(در برابر این‌ها) امام یک طغیان در برابر نظم غربی بود.»

حجت‌الاسلام معادینخواه سپس نتیجه‌گیری کرد که تقسیم پست‌ها در دوران دولت موقت و دادن آن‌ها به اشخاصی مانند نژی و مقدم مراغه‌ای و... خود یک توطئه براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است. وی آنگاه با اشاره به مطالب روزنامه «میزان»، تأکید کرد که این روزنامه مطالب ضدانقلاب را بزرگ می‌کند و «هر جریان توطئه‌ای را تقویت می‌کند.»

حجت‌الاسلام معادینخواه در ادامه سخنان خود، با

از بالا بردن قیمت میوه توسط سرمایه‌داران بزرگ جلوگیری به عمل آورید

بازرگانی میوه و کمبود آن، که توسط تجار عمده و سرمایه‌داران بزرگ دامن زده می‌شود، یکی از مسائل قابل توجه است. بررسی کوتاهی در مورد نحوه عرضه و فروش میوه در ۲ میدان میوه و تره‌بار تهران، تا حدود زیادی جزئیات سودجویی سرمایه‌داران بزرگ را در این زمینه نشان می‌دهد.

در ۲ میدان سبزی و انبارغله تهران، که به ترتیب خرده‌فروش‌های بزرگ و عمده فروشها در آن قرار دارند، سیب، پرتقال و لیموشیرین عرضه می‌شوند. فیض این میدان را چند سرمایه‌دار بزرگ در دست دارند. این افراد مقادیر زیادی میوه از بزم شمسوار (تنگابن) و جیرفت وارد میکنند و غالباً با احتکار، باعث گرانی فزاینده میوه‌ها میشوند. این اقدام آنها در حالی انجام می‌گیرد که شورای نرخ‌گذاری، که وظیفه‌اش نظارت بر رعایت نرخ اعلام شده از سوی دولت است، در این دو میدان مستقر است.

ترکیب این شورا در میدان انبار غله، تا چندین پیش، به زیان مصرف‌کننده و به سود سرمایه‌داران بزرگ و یا بهتر گفته شود، زیر نفوذ آنان بود. به همین جهت این شورا منحل شد. لیکن هنوز از قدرت سرمایه‌داران بزرگ در کنترل بازار کاسته نشده است.

یکی از راه‌های این اعمال نفوذ احتکار میوه است. پس از اعلام نرخ میوه از سوی شورای نرخ‌گذاری میوه و تره‌بار، پدیده جدیدی نیز در میدان بازرگانی میوه چشم می‌خورد، از جمله اینکه یکی از راه‌های این اعمال نفوذ احتکار میوه است. پس از اعلام نرخ میوه از سوی شورای نرخ‌گذاری میوه و تره‌بار، پدیده جدیدی نیز در میدان بازرگانی میوه چشم می‌خورد، از جمله اینکه

بازرگانی میوه و کمبود آن، که توسط تجار عمده و سرمایه‌داران بزرگ دامن زده می‌شود، یکی از مسائل قابل توجه است. بررسی کوتاهی در مورد نحوه عرضه و فروش میوه در ۲ میدان میوه و تره‌بار تهران، تا حدود زیادی جزئیات سودجویی سرمایه‌داران بزرگ را در این زمینه نشان می‌دهد.

در میدان بازرگانی میوه و تره‌بار، پدیده جدیدی نیز در میدان بازرگانی میوه چشم می‌خورد، از جمله اینکه

روزهای گذشته شهرن آبادان را زیر آتش سلاح سنگین خود قرار داده بود. در جبهه مرزبان نیز سه خودرو دشمن منهدم شد و ۶۴ تن از افرادی کشته و زخمی شدند. در همین جبهه دو قبضه آربی جی

چندین سنگر...

بقیه از صفحه ۱

گروهی و افرادی دشمن منهدم شد. تعدادی از افراد متجاوز کشته و زخمی شدند. دشمن نیز مانند

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!

دادگاه‌های ویژه امور صنفی، همه و همه از جمله اقداماتی است که می‌تواند در کاستن از قیمت فزاینده میوه و قرار گرفتن آن در دست زحمتکشان، مفید باشد.

رئیس جمهوری جدید فرانسه در برابر آزمایشی بزرگ

دور دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه، که در روز یکشنبه، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰، برگزار شد، با پیروزی فرانسوا میتران، رهبر «حزب سوسیالیست فرانسه» پایان یافت. بر پایه نتایج موقت، بیست و یکمین رئیس جمهور فرانسه نزدیک به ۵۲ درصد آراء را بدست آورد و ژسکار دستن، رئیس جمهور کنونی را، که تنها ۴۸ درصد شرکت کنندگان، آراء خود را بسود او در صندوق ریختند، شکست داد.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری فرانسه می تواند نمایانگر دگرگونی بزرگ در تعادل نیروهای سیاسی فرانسه باشد. واقعیت آنستکه، پس از سالهای مدید، باردیگر فردی به کمک رای نیروهای چپ فرانسه، به «کنخ الیزه» مقر ریاست جمهوری راه می یابد.

ناظران سیاسی معتقدند که عامل عمده شکست ژسکار دستن، سیاست مصیبت بار او، علاوه بر گرایش به گسترش همکاری با آمریکا (از جمله دریمان «فاتو») بویژه در گستره داخلی، بوده است.

در این زمینه، ناسامانی اقتصاد فرانسه، نقش مهمی بازی کرد. اوضاع اقتصادی فرانسه در هفت سال گذشته پیوسته به وخامت گراید. در دوران ریاست جمهوری ژسکار دستن، قیمت های خرد فروشی دوبرابر شد، نرخ تورم سالانه به ۱۵ درصد رسید و بیش از ۱۸ میلیون نفر فرانسوی به خیل بیکاران پیوستند، که بیش از یک سوم آنها جوانان کمتر از ۲۵ ساله هستند. ژسکار دستن، در سراسر کارزار انتخاباتی خود، کوچکترین پیشنهاد مشخصی برای برطرف کردن این بحران اقتصادی - اجتماعی به مردم فرانسه ارائه نکرد. وی، برعکس، کوشید تا به شیوه سنتی راستگرایان فرانسه، مردم را با ترسیم «آینده ای تیره و ناایمن» در صورت پیروزی نیروهای چپ - مرعوب کند و از هواداری از نیروهای چپ بازدارد.

دیگر عاملی که در شکست ژسکار دستن نقش تعیین کننده داشت، پشتیبانی نیروهای دمکراتیک و چپ، بویژه حزب کمونیست فرانسه، از نامزد مقابل رئیس جمهور کنونی، یعنی فرانسوا میتران، بود. ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، که در دور اول انتخابات بیش از ۱۵ درصد آراء را بدست آورد، نزدیک به ۵ میلیون فرانسوی را، که دوهفته قبل به او رای دادند، فراخوانده بود که در دور دوم، فرانسوا میتران را برگزینند. فراخوان حزب کمونیست فرانسه بر این اعتقاد اصولی استوار بود که، پس از سالها حکومت قدرت فردی و سیادت بورژوازی بزرگ به زیان زحمتکشان این کشور، ضرورت تغییر بنیادی در سیاست فرانسه فرارسیده است. فرصت برای تبدیل این ضرورت به واقعیت، تنها در پرتو وحدت همه نیروهای دمکراتیک و چپ میتوانست پدید آید. برای درک عمق اصولیت این مشی، یادآور میشویم، که، روشنه چندان وحدت طلبانه دیگر نیروهای چپ، از جمله «سوسیالیست ها»، چندان امیدبخش نبود. فرانسوا میتران و دیگر سوسیالیست های راست گرا در سالهای گذشته، بگونه ای چشمگیر، در تقریباً همه گستره های سیاست داخلی و خارجی، از جمله مسائل اقتصادی - اجتماعی و موضع گیری در برابر آمریکا، اسرائیل و «فاتو»، به جهت راست گرایندگی از اینرو بود، که با عدول «سوسیالیست ها» از

اصول همکاری مشترک آنها با کمونیست ها در گذشته، در دور نخست انتخابات، پایه ای برای وحدت عمل و ائتلاف میان «سوسیالیست ها» و کمونیست ها باقی نماند. اما، در دور دوم، هنگامیکه مسئله پرسرگزیشتی میان ژسکار دستن و فرانسوا میتران پیش آمده، حزب کمونیست فرانسه، همه توان تبلیغاتی و تشکیلاتی خود را در راه کمک به انتخاب رهبر «حزب سوسیالیست فرانسه» بسیج کرد و سرانجام ژسکار دستن شکست خورد. بدینسان کمونیست های فرانسه، چنانکه ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، پس از اعلام نتایج انتخابات در بیانیه ای یادآور شد، «در این پیروزی سهیم» هستند. فرانسوا میتران، خود پیروزی انتخاباتی خویش را «پیروزی نیروهای هوادار نوسازی» خواند، «که برای دستیابی به کار، صلح و آزادی متحد شدند». کمونیست های فرانسه، همانگونه که همخوان با نیازمندی های عینی جامعه فرانسه و پاسخگوی رسالت تاریخی خود، در پیروزی نیروهای چپ در ۲۰ اردیبهشت، نقش بزرگی بازی کردند، اکنون نیز حاضرند، که در پیشبرد روند دگرگونی های بنیادی بسود زحمتکشان فرانسه، سهم خود را ادا کنند.

در بیانیه «حزب کمونیست فرانسه»، در اینباره می خوانیم: «ما آماده ایم، چه در دولت و چه در دیگر گستره های زندگی اجتماعی، مسئولیت خویش را برای پیشبرد سیاستی جدید، بمنظور فراهم آوردن اشتغال برای همه، تأمین عدالت و پیشرفت اجتماعی، کمک به تکامل ملی، تضمین آزادی های دمکراتیک، تحکیم استقلال، حفظ صلح و مبارزه در راه صلح - سلاح ... ایفا کنیم».

حزب کمونیست فرانسه، با توجه به جنبه متحدی که ارتجاعیون فرانسه و هواداران امپریالیستی خارجی آنها، بی گمان، در برابر هرگونه سیاست «نوسازی» پدید خواهند آورد، خاطر نشان می سازد: «ما بر آنیم که تنها زمانی بر همه سدها و دشواری های که در راه پیشرفت ایجاد خواهند شد، فتق خواهیم آمد، که متحد عمل کنیم».

کمونیست های فرانسوی، بحق، یادآور می شوند که: «هرگونه نوسازی کشور، شرکت فعال و پویای حزب کمونیست فرانسه را در جنبش خلق می طلبد».

آینده نشان خواهد داد، که سیاست فرانسوا میتران، تاچه اندازه، با برخورداری از پشتیبانی اکثریت قاطع و متحد «هواداران نوسازی»، در راه پیشبرد امیال اینان و مصالح قاطبه مردم فرانسه، کام بر خواهد داشت.

نیروهای مترقی و دمکراتیک نمی خواهند - آنگونه که متأسفانه بارها در گذشته شاهد آن بوده اند - به برنامه چپ رای داده باشند، ولی کماکان به راست کشانده شوند.

در پیوند با انتخابات فرانسه، خوانندگان می توانند به شماره های ۴۹۹ و ۵۰۶ «نامه مردم» نیز رجوع کنند.

هدف ضدانقلابیون لپستان براندازی نظام سوسیالیستی است

«پراودا»، در شماره ۲۲ اردیبهشت ۶۰ خود، از عناصر ضد سوسیالیستی لپستان انتقاد شدید کرده است. این روزنامه می نویسد:

«اعضای سازمان آشکارا ضد انقلابی «گر» (باصطلاح «کمیته کارگران برای دفاع از خود»)، که در «اتحادیه همبستگی» رخنه کرده اند، همه کوشش خود را در راه تخریب اقتصاد و اخلال در حکومت بکار می برند».

«پراودا» می افزاید: «برنامه عملی همبستگی» که چندی پیش انتشار یافت، هدف این سازمان را احراز حکومت و براندازی نظام سوسیالیستی در کشور می خواند».

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

آموزگار یکی از روستاهای ایران، همراه کمک مالی به حزب، نوشته است:

«نامه مردم عزیز، سلام. من از شما کارکنان هیئت تحریریه نامه مردم و تمام اعضای آن، که برای حزب و روزنامه زحمت می کشید، کمال تشکر را دارم.

این کمک ناچیز را از یک آموزگار روستا بپذیرید. از اینکه از این مبلغ بیشتر نمی توانم بپردازم، جداً متأسفم. ولی با کم کردن خرید سیگار و چیزهای بیمصرف، در آینده امیدوارم بیشتر پس انداز کرده و بیشتر کمک کنم. امیدوارم که مرا ببخشید».

انتشار بیانیه احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب

احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب نیروهای صلح دوست جهان را فراخوانده اند، تا در قبال تهدیدات اسرائیل به هواداری از سوریه، انقلاب فلسطین و نیروهای ملی - مترقی لبنان بپردازند. بیانیه این احزاب، که در بیروت انتشار یافت، خاطر نشان می سازد: «اسرائیل، در این اواخر، به تمرکز نیروهای خود در مرز لبنان دست زده است و هنگام با تدارکات نظامی، سوریه را تهدید میکند». بگفته احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای عرب «ایسن تنش فزایی (از سوی اسرائیل) پیامد مستقیم سیاست ایالات متحده است، که قصد سیادت بر منطقه را دارد».

وزیران دفاع «ناتو» افزایش بودجه نظامی و استقرار موشک های آمریکایی را بررسی میکنند

وزیران دفاع «ناتو» که جلسه دوازده خود را در بروکسل آغاز کردند، به بررسی افزایش بودجه نظامی این پیمان تجاوزکار و استقرار موشک های هسته ای جدید میان برد ایالات متحده آمریکا در اروپای غربی خواهند پرداخت.

بگزارش «رویتر»، کاسپار واین برگر، وزیر دفاع آمریکا، همپیمانان خود را زیر فشار قرار خواهد داد که بودجه نظامی خود را بالا ببرند.

تصمیم به استقرار ۶۰۰ موشک جدید آمریکایی در اروپای غربی، تعادل تقریبی را در این زمینه در اروپا بسود غرب برهم خواهد زد.

«فرانسیس هیوز»، یکی دیگر از زندانیان ایرلندی، در آستانه مرگ است

یکی دیگر از مبارزان ایرلندی زندان «میز» در آستانه مرگ است. وی، که «فرانسیس هیوز» نام دارد، شصت روز است که به اعتصاب غذا پرداخته است. خواست او اینست که دولت بریتانیا او و یارانش را بعنوان زندانی سیاسی برسمیت بشناسد، اما لندن از برآوردن این خواست خودداری می ورزد.

علاوه بر «فرانسیس هیوز»، سه مبارز ایرلندی دیگر در اعتصاب غذا هستند. هفته پیش، بانی سندز، چهره برجسته جنبش مقاومت ایرلند شمالی، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا، در زندان «میز» درگذشت.

روزهای ۲۲-۲۱ اردیبهشت ۶۰، تظاهرات مردم «بلفاست» و «لندن دردی»، به پشتیبانی از خواست زندانیان ایرلندی ادامه یافت.



ایندی را گاندی خواهان تامین ثبات در منطقه شد

ایندی را گاندی، نخست وزیر هند، خواستار «تامین ثبات در منطقه اقیانوس هند و حل مسائل منطقه از راه های مسالمت آمیز» شد وی همچنین یادآور گردید که مسئله افغانستان را تنها از طریق سیاسی میتوان فیصله بخشید.

آمریکا، بریتانیا و چین نمی خواهند مسئله افغانستان از راه سیاسی حل شود

بنوشته «پراودا»، «ایالات متحده و همپیمانان آن میکوشند تا از حل مسئله افغانستان از راه های سیاسی جلوگیری کنند. اینان به ابتکارات مسالمت جوانه دولت افغانستان، با دامن زدن به جنگ اعلان نشده علیه این کشور از خاک پاکستان پاسخ می گویند».

«پراودا» در ادامه تفسیر خود، می نویسد: «ازسوی دیگر، ایالات متحده، بریتانیا و چین از کوشش های نخستین پاکستان برای برقراری تماس با افغانستان جلوگیری بعمل آورده اند».

«پراودا» می افزاید: «بنابراین، تنها این نتیجه را میتوان گرفت که محافل امپریالیستی تلاش می ورزند تا به ثبات زدایی در منطقه دست یازند و تنش را در آنجا حفظ کنند».

جبهه های آزادیبخش ملی السالوادور:

«واشینگتن» خواهان خونریزی بیشتر است

در السالوادور، «جبهه آزادیبخش ملی فزارابوندمارتی» و «جبهه دمکراتیک - انقلابی» ایالات متحده آمریکا را متهم ساخته اند که قصد ندارد از کمک خود به «خونتا»ی مرتجع دست بردارد و راه را برای راهحلی سیاسی هموار سازد.

این دو جبهه، در اعلامیه ای مشترک، اعلام میدارند: «موضع «واشینگتن» به خونریزی بیشتر خواهد انجامید و سبب خواهد شد که افراد بیشتری قربانی نظامیان ارتجاعی و گروه های راستگرای افراطی گردند».

این اعلامیه، که در سان خوزه انتشار یافت، یادآور میشود که، از هنگام احراز قدرت ازسوی «خونتا» تاکنون، بیش از ۱۷ هزار السالوادوری بهلاکت رسیده اند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بزرادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم»
هنوز در اختیار
«نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان

**NAMEH
MARDOM**
No. 511
13 May 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند به آدرس زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم